



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز پنجشنبه (۳) شهریورماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

فهرست مطالب:

- ۳- معرفی آقای علی نگهبان بسمت معاون پارلمانی
 وزارت کشور بوسیله آقای اسداله نصرافهانی وزیر کشور.
 ۴- قرائت دستور وتعیین موقع جلسه آینده - ختم
 جلسه.
- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.
 ۲- ادامه بحث در برنامه دولت آقای دکتر جمشید
 آموزگار و ابراز اعتماد بدولت.

جلسه فوق العاده مجلس شورای ملی ساعت نه صبح بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل شد

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.
 رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت نمیشود.

(بشرح زیر خوانده شد)

- بانوان : اما آقایان - اباصلتی - افشار جعفری -
 برومند - جهانبانی - داودی - ضرابی - شامی - هاشمی -
 وحیدی .
- رئیس - وارد دستور میشود برنامه دولت جناب
 آقای دکتر جمشید آموزگار مطرح است آقای دکتر طبیب
 شریفی بیاورید .
- دکتر حسین طبیب - جناب آقای رئیس ، همکاران
 ارجمند ، در جلسه گذشته بحث درباره برنامه دولت بود
 از موضع اتحاد ملی براساس رستخیز و یکپارچگی و آگاهی
 ملی و مشکلاتیکه خوشحانه دولت به استناد مندرجات
 در مقدمه برنامه تقدیمی به آن آگاهی دارد اشاره کردم و
 بیان شد که بنظر من مشکلات و تنگناها بیشتر و بیشتر
 آنکه جنبه فیزیکی و قابل لمس داشته باشد در فضای
 تخی از روحیه و ایمان و اعتقاد لازم و شایسته بوجود
 می آید به اصلی ترین کار یعنی دوباره سازی روحیه لازم
- آقایان - آشوریان - آصف - دکتر ابوالهدی - اسکندری
 اعظمی - جهانشاه افشار - امیرعشایی - اهری - بارکزی -
 بنکدار پور - بنی احمد - بهارلو - بهبانی - بهره مند -
 پزشکیپور - جندقی - جوکار - دکتر چهارزی - حجتی -
 حریری - حیدرزاده - حیدری - خزیمه - دکتر خطیبی -
 خسروی دارانی - ذوالفقاری - دکتر رئیسی - رئیسی
 اردکانی - رهبر - ساگینیان - سرلکدره شوری - سرهنگزاده
 سعادت قدسی نیا - سلیمانی - شریعت - شریفی شهبازی -
 مهدی شیخ الاسلامی - رحیم شیخ الاسلامی - دکتر
 شیروانی - صدر - صدیق زاده - عطائی - دکتر عدل -
 غضنفری - فرمان - فلاح مقدم - قاسمی - دکتر کیان -
 مجتهدی - محمد خانلو - مشیر - منصوریان - مهرزاد -
 میرلاشاری - واحدی - وزیر - هاشمی - یاسینی .

که می‌بایست بوجود بیاید اشاره کردم و گفتم سه هزار و پانصد و اندی میلیارد ریال درآمد ملی برای مکنس ها و حشرات که عمده وجود دارند کشتش های وسوسه انگیزی ایجاد می‌کند که باید در برابر آن جاذبه نیرومندی از روچه و عشق و اعتقاد به منافع ملی وجود داشته باشد به مرحله نتیجه‌گیری رسیدیم که وقت جلسه بیابان رسید. اینک دیتاله مطالب خود را باین یادآوری دنبال می‌کنیم. مملکت مزرعه رشد طبیعت‌ها و روچه‌هاست هم علف‌های هرزه و زوائد و تیغ‌های زهر آلود ممکن است در آن بروید و هم درختانی که در سایه آن توان بردخت بخشی از عمل سیاسی دولت یک نوع باغبانی است که بانوع طبیعت‌ها و روچه‌هایی که در مزرعه مملکت امکان رشد و نمو پیدا می‌نمایند ارزش یابی می‌شود - من از آن دست که می‌پروردم میرویم (آفرین) دو روچه و بنیاد فکری و طبیعت متفاوت وجود دارد که همیشه در مقابل هم قرار میگیرند طبیعتی که از امکان و اعتماد مثل تیغ زهر آلود برای زبان رسانیدن بهره میگیرد و طبیعت‌های دیگر که در پرتو همان امکانات و اعتمادها مثل همان درخت برومند و سایه افکن و بارور می‌شود. بزرگ‌ترین کار مملکت ایجاد فضا و زمینه‌ای است برای پرورش روچه‌ای که این ملت برای استمرار و تداوم موجودیت و شکوفائی خودش به آن نیاز دارد آنچه باید فراگیرنده باشد آن کیفیت‌هایی است که برای تحقق آرمانهای جامعه باید از قوه به فعل درآمد اینک به مواردی اشاره می‌کنم که قصد من صرفاً تکیه روی خود موارد نیست بلکه بیشتر از این موارد به موضوع‌هایی بی می‌بریم که ایجاد کننده موارد می‌باشد چند سال گذشته از زبان یکی از مسؤولان وقت مملکت در پاسخ انتقاداتی که شده بود شنیدم که گفت این چیزها موردی است، نه موضوعی این طرز تفکر یا دانستن و بروی خود نیاوردن است و یا ندانستن و خوش باوری، و در هر حال در فرهنگ ملی ما آمده است اگر کسی عیب‌ها را نشانند بدتر از کسی است که روی چاهی را با تیغ و پویشال پویشاند و روز جنگ روی آن اسب بتازد و یا کبکی که سرخودش را زبریر فرومی‌کند که از واقعیت چیزی را نخواهد کاست.

اولین شرط عمل سیاسی آگاهی هرچه بیشتر با هوشمندی از جزئیات و واقعیت‌هایی است که چه مثبت و چه منفی وجود دارد. (صحیح است)

نیمه شب‌ها وقتی که همه خواب هستند شهرداری بخمال خودش یواشکی زباله‌ها را در کنار درختان آتش

می‌زند تا کارروز بعد خودش را سبک بنماید صرف نظر از امکانات بالقوه آتش سوزی که بوجود می‌آید مغایر با سیاست‌های دفاع غیر نظامی صرف نظر از خشکاندن بی‌درپی درختانی که صورت میگیرد با گازهای سمی که در اثر سوزاندن مواد زائد و زیان بخش در فضای شهر منتشر می‌شود هوای آلوده و غیر قابل تحمل تهران را آلوده‌تر و غیر قابل تحمل‌تر می‌نماید که با هیچ یک از سیاست‌ها و برنامه‌های مملکت منطبق نیست آنوقت چه انتظاری از مردم برای همکاری و اعتقاد به سیاست پاک سازی محیط زیست و دیگر سیاست‌ها داریم؟

انگیزه اصلی جرائم رانندگی چیست؟ اکنون که بحث روز شهرداری بهبود وضع ترافیک و ایجاد نظم شایسته درین باره است اگر بالا رفتن درآمد هدف اصلی در اخذ جرائم رانندگی باشد چه انتظاری را برای نظم ترافیک داریم؟

سیاست رسمی صیانت از اراضی کشاورزی و حمایت از کشاورزان که مرتباً تکرار می‌شود با آنچه که انجام میگیرد یکی نیست بهمین دلیل روستائی، ازده کوچ می‌کند و تولید کننده، مصرف کننده می‌شود.

برای هزاران هکتار زمین با استعداد که مورد تجاوز رودخانه شور قرار میگیرد و در اثر رسوب گل ولای مسیر رودخانه در جهت دیگری عوض می‌شود و اراضی زراعتی با استعداد ۱۷ روستای منطقه را بکلی ضایع می‌سازد یا آب رودخانه سوند که بهمین ترتیب از کوه نمکی عبور می‌کند و با شور شدن نه تنها ضایع و غیر قابل استفاده می‌شود بلکه اراضی بسیار مستعدی را از استفاده می‌اندازد و یا رودخانه زهره لیراوی و یا خیلی چیزهای دیگر سیاست صیانت از اراضی کشاورزی حضور پیدا نمی‌کند اما وقتی یک کشاورز می‌خواهد مزرعه خودش را از هجوم شغال بوسیله حصار کشی با بوته‌های تیغ خودروی درخت سدر که هرچه بیشتر از آن بردارند پر پشت تر می‌شود و مطابق قانون (مصارف روستاهی) معنی ندارد حفظ کند بنام قانون جلویی را می‌گیرند این است که او اعتقاد خودش را از دست می‌دهد از روستا به شهر کوچ می‌کند و از صف تولید کنندگان به انبوه مصرف کنندگان می‌پیوندد و سیاست صیانت اراضی زراعتی بی اثر می‌شود و یا اراضی منحصر بفرد زراعتی را در دل دشت‌ها و بیابان‌های سوزان و خشک بوسیله همانهایی که مأمور صیانت از اراضی کشاورزی مملکت بودند به شهرک مبدل ساختند و تازه پول مردم را هم درست ندادند. و با کشاورزی که نسق مسلم زراعی او را ندهد

گرفتند و اراضی او را با حکم قطعی از اختیار او خارج ساختند فلسفه قانون حمایت از منافع جامعه است نه ایجاد مزاحمت‌های خود کامه و بدون منطق این چیزهاست که مردم را بی اعتقاد می‌نماید وقتی صحبت از افزایش ظرفیت تخلیه بنادر می‌شود باید همه سیاست‌ها با آن بخواند و هم‌آهنگی داشته باشد انبار و محوطه و وسائل کافی تخلیه و بارگیری وجود داشته باشد که نیست - بنادر غیر فعال مملکت فعالی بشوند که همچنان را کد و غیر فعال مانده‌اند دویه‌های خالی و بارج‌ها که کاری ندارند محوطه بندر را برای مانور کشتی‌ها و تخلیه و بار اندازی آزاد بسازند که در همانجا لنگر می‌اندازند و شکیبای بازرگانان را بلند می‌کنند کانال دریائی مرتب لایروبی بشود که نه تنها نمی‌شود بلکه در اثر بی‌مبالائی در امر تخلیه سیمان صرف نظر از ضایعات فراوان و بهدر دادن پول و سرمایه مملکت که بارانی از کسبه‌های پاره شده سیمان فرو می‌ریزد و فضای شهر و محوطه بندری را آلوده می‌سازد و رسوب سیمان مرتب ظرفیت بارگیری کشتی‌ها را در پای اسکله و کانال دریائی کاهش میدهد.

مردم این چیزها را می‌بینند که با سیاست‌های اعلام شده رسمی مملکت نمی‌خواند وقتی از مأموران توضیح خواسته می‌شود پاسخ‌هایی می‌دهند که اصلاً ربطی به موضوع ندارد و یک خروار کاغذ مبادله می‌شود. در گمرک‌خانه‌های زمینی کشور شرکت‌های حمل و نقل علاوه بر همه هزینه‌ها بهرمیزان که خودشان میل دارند و تحمیل می‌کنند برای هر تن یکصد تومان بنام معمول پاساوان (یعنی انتقال کالا از یک گمرک‌خانه به گمرک‌خانه دیگر) مالیات نامرئی دریافت می‌نمایند در صورتیکه اگر چنین باشد باید قبض رسمی گمرکی پاساوان ضمیمه آن باشد و سوء استفاده‌های دیگر تحت عنوان پاساوان که صورت می‌گیرد مردم می‌گویند با کمترین نظارت جلوی این چیزها را که تورم مصنوعی ایجاد می‌کند می‌شود گرفت و جلب اعتماد جامعه را نمودار ۳۰۰ کیلومتری بوشهر به شیراز ۱۰ سال است ادامه دارد و هر بار به یک شکل زیر کانه دفع الوقت میشود اکنون ۲ سال است ۲۰ کیلومتر آن باقی مانده و مثل تیغی در چشم مردم فرو می‌رود.

راه‌های دیگر استان بوشهر به هرمزگان، بوشهر به بندر دیلم سالهاست ناقص و نیمه تمام مانده خدا میداند که مقاطعه کاران تا بحال برای این پروژه‌های انجام نکرده چه مقدار سیمان دریافت نموده باشند و عیناً با قیمت‌های خیلی بالاتر در بازار سیاه فروخته باشند. مأمور مملکت باید معتقد به پاسداری واقعی از وظائف خودش باشد نه در پوشش مأمور معذور، هرچه دلش خواست بکند و خودش قوانین مملکت را هر طور

دلش می‌خواهد توجیه و تفسیر بنماید و باین ترتیب مردم و جامعه را نسبت به قوانین و نظامات مملکتی بدبین و بدون اعتقاد بنماید. فساد و دزدی بدترین موریانه ایمان و اعتقاد در جامعه است هفت رنگ‌های بوقلمون صفت مگس‌ان دور شیرینی که با هر سازی می‌رقصد نباید میدان بیابند. رطب خورده‌ها، ذات‌های نایافته از هستی بخش خود ناگرفته پندها آموزش گران تخریب روحیه مردم خواهند بود.

اصل ۱۹ انقلاب که شاهنشاه اخیراً اعلام فرمودند ناظر بر آنستکه مقامات اداری بخاطر انجام وظیفه به اشخاص تفویض می‌شود نه بخاطر ثروت اندوزی‌ها اگر مواردی وجود داشته باشد باید آنچه را که دزدها بلعیده‌اند از حقوق آنها خارج بسازیم عدالت ملی باید خطا کاران را کیفر دهد (احسن) به آنچه گفته می‌شود و سیاست‌هایی که بنام برنامه دولت و مملکت به جامعه عرضه می‌شود عمل کنیم تا اعتماد و اعتقاد جامعه جلب بشود.

مردم چیزهایی را می‌بینند که انجام می‌گیرد اگر با چیزهایی که مرتب گفته می‌شود منطبق باشد اعتقاد پیدا می‌کنند و اگر مغایر باشد سخن‌ها به کردار بازی بود ایمان و اعتقاد آنان تپاه و ضایع خواهد شد. در همین جامعه که مردم در باره خیلی‌ها خیلی چیزها می‌گویند همان‌طور که در مقدمه صحبت خودم اشاره کردم جناب دکتر آموزگار به صحت عمل و خوشنامی اشتها دارند عمل ایشان این تضوات را بوجود آورده که امید است روز افزون باشد.

۱۴ سال پیش وزیر بهداری بودند من در بوشهر بودم و ۱۱ سال خدمت اداری را در آن منطقه پشت سر گذارده بودم و چون احتیاج به مرخصی نداشتم در طول این مدت کلاً چه استحقاقی و چه استعلاجی مجموعاً حتی یک ماه هم از مرخصی استفاده نکرده بودم.

برای یک دوره بازآموزی کوتاه مدت علمی چندبار از طرف دانشگاه دعوت شدم که با هزینه خودم استفاده از مرخصی استحقاقی (بدون مأموریت دولتی) در آن کلاس‌ها شرکت کنم مجموعاً یکسال مرخصی استفاده نشده طلبکار بودم هر وقت مرخصی می‌خواستم بمن می‌گفتند چون جانشین نداری نمی‌شود بالاخره بگوش وزیر بهداری (دکتر آموزگار) رسید خیلی صریح و قاطع اظهار داشتند اگر یک پزشک در منطقه بد آب و هوا بدون

حسین خدمت کند چه گناهی دارد که به او مرخصی داده نشود مقرر دستگاه آذاری است که برای استفاده از حق مرخصی استحقاقی او جانشین تهیه نمی کند.

این مفهوم صراحت و صداقتی است که با خیلی از برداشت های دیگر و اشخاص و تفکرهای دیگران متفاوت است و همین چیزهاست که موجی از اعتماد و ایمان را در جامعه بوجود می آورد و درس زنده ای است از روحیه ای که می تواند انقلاب آذاری را درک کند که در ذهن من از آن روزگار باقی مانده.

منطق تحولات ایران امیدبخش و شادی آفرین است خواست ما و سانسلی که وجود دارد جز عکس العمل ملت زنده ما چیز دیگری نیست که نیازهای ملی ما را به اشکال گوناگون عنوان می کند و سرانجامی جز پیروزی رساندن ملت ایران ندارد.

آرزوی دشمنان و بدخواهان ایران خرابی روحیه ایمان و اعتقاد در جامعه است زیرا خرابی روحیه بدترین و خطرناک ترین رخنه و شکافی است که دشمن در طول تاریخ و در همه جا از آن بهره گرفته است.

جامعه ایران پویائی خود را در جهت تحقق بخشیدن به حق تاریخی و مقام شایسته ادامه خواهد داد بستر فکری انقلاب شاه و ملت استوار بر پایه های این حق تاریخی و برآورده ساختن ملت ایران برای نیل به شایسته ترین زندگی ملی است. (صحیح است)

تمدن بزرگ و سیمای راستین یک حق تاریخی است. مفهوم آزادی واقعی یعنی رسیدن به خواست ها و آرزوهائی که ملت ما دارد.

آزادی یعنی پاره کردن و بدور ریختن هر قید و بند که درین راه وجود دارد.

هر ایرانی در احساس این مسئولیت سهم دارد و نقش وجودی دستگاههای اجرائی مملکت را ایفای راستین مأموریت و رسالتی می شناسند که درین باره برعهده دارند منطقی تحولات ایران بستر حیات و زندگی شایسته ملی است هیچ نسج بیکاره و مزاجم در آن جائی ندارد. بفرمایش شاهنشاه اگر کسی خودش را نتواند منطبق بسازد یک دقیقه هم معطل نمی شویم. این حقیقتی است که باید درک بشود هر روز بهتر بیشتر و نیرومند تر از گذشته باید راه برپه ها گشوده شود.

این یک خواست و انتظار ملی است که بایستی بجایه عمل پیوسته

و اما در آخرین قسمت بگویم سیاست مستقل ملی ایران مظهر وجودی ملت ایران در جهان ملت هاست سیاست مستقل ملی ایران گویا ترین جلوه آزادی ملی همه ایرانیان در عرصه سیاست جهانی است این آزادی ملی با تار و پود وجود همه ما پیوسته است و هر ایرانی با تمام وجود آنرا پاس میدارد. (صحیح است)

چون هستی ما زهستی اوست. دشمنی با آن دشمنی با تمامی ملت ایران است.

در سیاست مستقل ملی ایران راه دوستی راه یکطرفه نیست هر کس از ملت ایران انتظار دوستی دارد باید دوستی خودش را به ملت ایران نشان بدهد.

این چیزی است که همگان باید بدانند و به آن آگاه باشند و در سر لوحه سیاست خارجی دولت آنرا بخوبی تفهیم نماید خلیج فارس شاهرگ حیاتی - راه تنفس ما چشم و چراغ سبزیست مستقل ملی ایران است.

ملت ایران یاوه هائی را که گاه محافل کثیف و شناخته شده استعماری برای مقاصد معلوم خودشان ساز می کنند و عده ای احمق نیز بساز آن می رقصند هرگز نخواهد بخشید و قاطع ترین پاسخ ها را عملاً نشان خواهد داد باین دلیل احمق می گویم که این اراجیف صنف ما را مستحکم تر میسازد از دولت شاهنشاهی ایران می خواهیم در برابر این یاوه ها عمل سیاسی لازم را نشان بدهد بکوری چشم

دشمنان ایران چه خواهند وجه نخواهد خلیج فارس همیشه خلیج فارس باقی خواهد ماند (صحیح است) و امواج غرور آفرینش که با شکوه فراوان بر کرانه ها میلغزد سرود بزرگی و پیروزی ایران و جوانان این سرزمین را در فضای بیکران سر می دهند. ۳۶ سال گذشته در سپیده دمی چون امروز از شمال و جنوب مدعیان باصطلاح آزادی دزدانه به مرزهای ما تاخند و چنان شیخونی زدند که تاریخ از یاد آن ننگ دارد آب خلیج فارس از خون جوانان و پاسداران این مرز و بوم گلگون شد.

و ایران شکست ناپذیر پیروزی آفرین از پس حوادث سهمگینی باثرفه ایزدی شاهنشاه جوان که در آن هنگام بیش از ۲۲ سال نداشتند نیرومندتر از همیشه بپاخواست و سازندگی و شکوفائی بی مانند ملی را از سر گرفت اینک خون آن شهدا و همه شهیدان راه ایران که به قرنها در دل کوهها دشتها و دریاها میون بخون خود کفن پوشیده و خفته اند می جوشد نامشان و یادشان افتخار ما است و درس زندگی ما و تا شاهد مقصود در آغوش نگیریم

بجای نشینیم، از توجه همگی سپاسگزارم. پاینده ایران (احسن)

رئیس - آقای پرفسور یغمائی بفرمائید.

پرفسور یغمائی - جناب آقای رئیس، همکاران محترم، بحث پیرامون برنامه دولتی است که در رأس آن مردی قرار گرفته که پیرو او امر شاهنشاه و در جهت پیشرفت و تعالی مملکت تا پای جان رفته است.

مردی که برای احقاق حق حیاتی ترین منبع درآمد ملی ما تا یک قدمی مرگ رفته. در واقع مرگ را بچشم دیده و آنرا لمس کرده تا بالاخره، روز ختم نفت ارزان را به دنیا اعلام کرده است.

شخصیتی که تاکنون مشاغل حساسی در مملکت بعهده داشته و از این بابت کارنامه ای بس روشن و درخشان دارد.

انسانی که به معنای واقعی یک انسان نوع دوست و شاه پرست در انجام اوامر شاهانه همیشه کوشا بوده با الهام از رهبریهای خردمندانانه معظم له تا جائیکه در قدرت داشته به این مرز و بوم خدمت توأم با صداقت نموده است.

رئیس دولتی که با عنوان دولت اتحاد ملی در سرلوحه برنامه اش کار و کوشش بیشتر با کارائی بالاتر توأم با صداقت و صراحت در اجرای اصول انقلاب شاه و ملت قرار گرفته.

نخست وزیر که مورد تأیید شاهنشاه است از یک طرف و مورد علاقه و احترام مردم از طرف دیگر به چنین مردمی چه دارم بگویم جز اینکه:

جناب آقای دکتر آموزگار خوشا بحالت، به خانه ملت خوش آمدی از جناب آقای امیر عباس هویدا یاد می کنم که خدایش بسلامت دارد، او مدت متجاوز از ۱۲ سال بعنوان رئیس دولت انجام وظیفه نمود. خیلی زحمت کشید همه میدانیم سهم خود خوب هم خدمت کرد. خدمات صادقانه اش به این مملکت هیچگاه از نظرتیزین مردم فراموش نخواهد شد. به شاه عشق میورزد و برای انجام همه گونه اوامر معظم له آماده و گوش به فرمان است. بسیار باهوش و خوش برخورد و مردم دار است حافظه ای بیس قوی دارد، خوب بخاطر دارم حدود ۴ سال قبل برای شرکت در یک جلسه گفت و شنود از مشهد به تهران آمدم. این جلسه بنا بدعوت جناب هویدا و با شرکت نمایندگان از دانشگاههای سراسر کشور ترتیب یافته بود این اولین باری بود که از نزدیک ایشانرا میدیدم. پس از آنکه دولت سخن سخن رسید. سخن طرح مسائل مبتدی به کلی

شاید باین ترتیب و با جلب رضایت مردم سراسر

مملکت گریزی به صحرای کربلا زدم مسبیر صحبت رابه خراسان و شهرمشهد کشاندم و بخصوص از کمبود آب آشنامیدنی در این شهر مذهبی که سالانه متجاوز از ۷ میلیون زائر و مسافر دارد بحث نمودم و از ایشان تقاضا کردم دستور بفرمایند در مورد ساختن سدهای طرق و کارده که سالیان درازی است مورد تقاضای مردم است اقدام عاجل بعمل آید در این مورد قول مساعد دادند و این موضوع گذشت، ۸ ماه بعد به مشهد تشریف آوردند. هنگام بازدید از دانشگاه فردوسی قبل از آنکه توسط رئیس دانشگاه مراسم معارفه بعمل آید. من را به نام مورد خطاب قرار دادند و سؤال کردند آن سدها بالاخره درست شد یا نه؟ شما نمی توانید تعجب مرا در آن لحظه تصور کنید عجیب بود نخست وزیر مملکت با آنهمه گرفتاری و مشغله، و برخورد با آدم های مختلف بانام های گوناگون پس از ۸ ماه هم نام مرا میدانست و هم موضوع مورد تقاضایم را، این نکات انسانی و ریزه کاری های کوچک اثرات عاطفی و روانی بسیار بزرگ دارد. گویانکه هنوز هم که هنوز است این سدها درست نشده و به مرحله عمل در نیامده است صحرای کربلا کماکان بقوت خود باقی است و مردم مشهد بخصوص در فصل تابستان بازمه با کمبود آب مواجه اند ولی احترام عمیق من به هویدا بجای خود باقی است و باقی خواهد بود اکثفا میکنم باینکه هر کجا هست خدایا بسلامت دارش.

قبل از آنکه به بحث اصلی بپردازم تیر درشت روزنامه رستاخیز امروز چهارشنبه ۲ شهریور ۱۳۳۶ تحت عنوان «مطالعه برای تفسیر وسیع در نقشه جامع تهران آغاز شد» مرا بر آن داشت که بپترح کنم مگر ایران فقط تهران است. مگر نقشه جامع فقط در تهران وجود دارد؟ چرا همه چیز اول برای تهران بعد شهرستانها؟ این نقشه جامع در بسیاری از شهرستانها هم همانند کابوسی وحشتناک گریبانگیر مردم است و مستلزم تجدید نظر و یا بقول روزنامه رستاخیز مستلزم تغییرات وسیع، چرا به آنها توجه نمیشود؟ همان اشکالات و گرفتاریهایی که مردم پایتخت با نقشه جامع دارند شاید بر مراتب بدتر و بیشتر و شدیدتر، مردم شهرستانها دارند استدعای من از دولت جدید اینست که در راه اجرای سیاست عدم تمرکز و بیخاطر مبارزه با تبعیض دستور بفرمائید این مطالعه برای تعمیر وسیع از نقشه جامع برای کلیه شهرهای ایران آغاز شود نه تهران تنها.

مملکت موجبات رضامندی خاطر خطیر شاهنشاه فراهم آید. همکاریان محترم قبل ازین به تفصیل پیرامون برنامه دولت در سطوح مختلف سخن گفتند و به حق سنگ تمام گذاشتند انتظار همه ما و مردم ایران اینست که جناب دکتر آموزگار انشاء الله بقول خود وفا نمایند و آنچه در برنامه گنجانیده شده به مرحله عمل درآورند. سعی من بر اینست که از تکرار مکررات خودداری کنم ولی بعلمت اهمیت فوق العاده ای که امر آموزش و پرورش خصوصاً آموزش عالی در موقعت کنونی مملکت دارد تکرار و تأکید بر آنرا جایز دانسته و به ذکر مطالبی در این زمینه اکتفا میکنم. امید است مورد توجه و عنایت قرار گیرد.

قبل از هر چیز ذکر این نکته ضروری است که آموزش و پرورش ایران از کودکان تا دانشگاه در طول پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی مسیر غرور انگیز و افتخار آمیزی را طی کرده است. غرور و افتخاری که از نام و آمار زیر، نمایانگر است:

در سال ۲۴۸۴ که سال اول شاهنشاهی پهلوی است مجموع دانش آموزان دبستان های کشور کلاً ۵۰۹۶ نفر بوده اند در حالی که این رقم در سال ۲۰۳۴ به ۴۴۷۰۰۰ نفر رسیده است علاوه بر این در همین سال ۱۲۸۴/۰۰۰ نفر در آموزش راهنمایی و ۸۵۷۰۰۰ نفر در شاخه های مختلف آموزش متوسطه به تحصیل اشتغال داشته اند. در همین سال تعداد دانشجویان عالی ۱۰۲ هزار نفر بوده که اخیراً به ۱۷۵ هزار نفر رسیده است.

بوجود این ارقام افتخار آمیز همه میدانیم هر سال به هجوم جوانان و دانشجویان و حتی اعزام کودکان در سنین پایین برای تحصیل به خارج از کشور افزوده میشود طبق آخرین آمار رسمی شمار دانشجویان مشغول تحصیل در کشورهای مختلف جهان حدود ۵۰ هزارتن میباشد که با گذرنامه تحصیلی رفته اند. شاید هم رقمی در همین حدود بطور غیر رسمی و بدون گذرنامه تحصیلی به تحصیلات خود در خارج از ایران ادامه میدهند زیرا مالی که از این راه عاید مملکت میشود اینست که اگر بطور مثال اکنون صد هزار نفر دانش آموز و دانشجوی در خارج از کشور داشته باشیم هر کدام بطور متوسط سالانه ۵ هزار دلار نیاز داشته باشند یا نصف میلیون دلار از دست داده ایم تازه این زبان های مالی در طول زمان نسبت به اثرات اجتماعی و سیاسی فوق العاده ناچیز است مانند از دست دادن زبان و فرهنگ ملی.

چرا وضع چنین است؟ و چرا این جوانان به همه

خوشی ها و راحتی و آسایشی که میتوانند در ایران و در آغوش خانواده خود داشته باشند پشت پا میزنند و با وجود سرگردانی در دیار غربت با صرف هزینه گزاف به خارج میروند؟ حقیقت اینست که متعاقب فرمان آموزش رایگان که از جمله رویدادهای بزرگ تاریخ آموزش و پرورش ایران است از یک طرف و در نتیجه رشد ناگهانی و بسیار سریع کشور از طرف دیگر بر تعداد دانش آموزان، دبیلدها و داوطلبان تحصیلات دانشگاهی به مقیاسی بسیار بی سابقه و غیرمنتظره افزوده شده است و بالتبع نتیجه فراهم آوردن امکانات تحصیل برای این خیل عظیم امکان پذیر نیست و همانطور که شاهنشاه در هشتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی راسماً فرموده اند:

«ما الان جای کافی برای تحصیل در دانشگاهها نداریم و اگر روزی این ظرفیت را داشتیم و باز دیدیم افرادی بخارج رفتند آنوقت خواهیم گفت این اشخاص اصلاحس مینهن پرستی و حس ملیت ندارند ولی حالا که جای کافی در دانشگاه هایمان نداریم ایراد نمیتوانیم بگیریم.»

به همین علت اوامر شاهنشاه به وزارت علوم و آموزش عالی در مورد اجازه تأسیس مجتمع های آموزشی خصوصی از کودکان تا دانشگاه که منحصراً از محل شهریه دانشجویان اداره خواهد شد در تیرماه ۲۰۳۶ شرفصدور یافت و باعث خوشنودی و نپاس فراوان ملت ایران و خانواده های ایرانی در برابر پیشگاه با عظمت شهریار دادگستر ایران زمین گردید.

وظیفه دولت در این مورد بسیار سنگین است - تربیت انسان از کودکان تا دانشگاه آنها در بالاترین سطح از نوع کارهایی نیست که بتوان حتی در باره آن به تبلیغ و تظاهر پرداخت. کاری است آرام و تدریجی که اثراتش در درازمدت حاصل میشود.

در مورد تکنها و نارسائی های آموزش و پرورش در مراحل کودکان، دبستان، دبستان، دوره راهنمایی، دبیرستان تاکنون صحبت زیاد شده و خود جناب عالی وزیر محترم آموزش و پرورش بخوبی آنها را می بینید و اطمینان دارم در رفع آنها خواهید کوشید اطلاع دارم در این مدت اقدامات مؤثری را شروع کرده اید و مسلماً تعقیب خواهید کرد و انشاء الله توفیق کامل خواهید داشت. ولی در زمینه آموزش عالی با نابسامانی های فراوان روبرو هستیم که لازم میدانم باقتضای شغلم که مدت ۲۳ سال افتخار خدمت دانشگاهی داشته ام مطالبی بعرض برسانم امیدوارم مورد توجه قرار خواهد گرفت.

مواجه با بحران برق که بنظر من برای مملکت یک مسئله است نمی شدیم. ما اگر آدم داشتیم کشاورزی

ما به این روز سیاه نمی افتاد که دوست و دشمن بحالش گریه کنند اگر به وضع دامپزشکی و دام داری آنطور که باید و شاید توجه کرده بودیم شاهد ورود تخم مرغ هلندی با هوایما. گوسفند زنده توسط اسکله های مخصوص پیش ساخته از بنادر خود نبودیم. ما اگر آدم داشتیم مجبور به وارد کردن پل های پیش ساخته پیاده رو و سواره رو از بلژیک نمیشدیم ما اگر آدم داشتیم پزشک از هندوستان یا پاکستان، فیلیپین، بنگلادش وارد نمی کردیم و خیلی چیزهای دیگر. در دانشگاه است که برای آینده مملکت آدم تربیت میشود پس دانشگاه یک محل مقدسی است و همانطور که گفته شده و صحیح هم هست چشم و چراغ مملکت است و احترام آن بر جامعه از هر جهت ضرورت دارد اگر به وضع دانشگاه توجه شود آدم خوب و شایسته تحویل اجتماع میدهد در آن صورت مملکت حالش خوب است. اگر توجه نشود آدم بد و نالایق صادر میکند و در آن صورت مملکت حال خوبی نخواهد داشت.

توجه به کیفیت آموزشی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی از جمله مسائل مهمی است که باید مدنظر دولت باشد. متأسفانه به دلایل متعددی دانشگاه های مادر سال های اخیر از نقطه نظر کیفی سقوط کرده اند

و بازم متأسفانه کیفیت فدای کمیت شده است و این برای آینده مملکت با خطری بزرگ بشمار میرود.

بجرت میتوان گفت یکی از دلایل بزرگ این پدیده عدم حفظ حرمت دانشگاه

و دانشگاهیان از یک طرف و عدم توجه به وضع مادی و معنوی اساتید از طرف دیگر میباشد متأسفانه در دانشگاه های ما احترام استاد آنطور که باید و شاید برقرار نیست مادام که شما احترام استاد، البته آن استادی که به وظیفه اش عمل میکند. آن استادی که به کارش علاقه دارد. آن استادی که دانشجو را مانند فرزندش دوست میدارد. نه آن استادی که فقط تیترو عنوانش را دارد. آن استاد را اگر شما محترم شمارید این آن استادی که شما میخواهید نیست. بی علاقه خواهد شد خدای نکرده بی تفاوت خواهد شد. شرط اصلی و اولیه پیشرفت کار دانشگاه حفظ حرمت و احترام دانشگاه و اساتید است.

در مرحله دوم درست است که استاد یک مقام معنوی و روحانی دارد ولی باید اندکی او را هم از نظر مادی به

برای تجسم درک اهمیت دانشگاه مثل همیشه از فرمایشات ملوکانه الهام بگیریم که فرموده اند:

«احیاء مجد و عظمت ایران باید از طریق دانشگاه ها عملی گردد.»

نخستین دانشگاه ایران، دانشگاه تهران بود که بنا به اراده رضا شاه کبیر تأسیس شد بعد در دوران پرافتخار سلطنت شاهنشاه آریامهر بر تعداد این دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی اضافه شد تا جائیکه ما امروز دارای ۹۰ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی هستیم مضافاً به اینکه باز هم بزودی تعدادی دانشگاه و دانشکده و مؤسسات آموزش عالی جدیداً تأسیس چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی خواهیم داشت و تعداد بیشتری از جوانان همانطور که خواست رهبر عالیقدر ماست در داخل کشور به تحصیل خواهند پرداخت و در ساختن ایران بزرگ فردا سهم بسزائی خواهند داشت از طرف دیگر شنیدیم و خواندیم: اوامر مطاع مبارک ملوکانه در زمینه ایجاد دانشگاه بزرگ اسلامی در شهر مشهد مقدس به جناب دکتر عبدالعظیم ولیان نیابت تولیت آستان قدس رضوی و استاندار خراسان شرفصدور یافت که این خود مایه بسی افتخار و مباهات برای خراسان و خراسانیان گردید. به جرت میتوان گفت این بهترین نوع سرمایه گذاری است و همانطور که علیاحضرت شهبانوی ایران در نهمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی راسماً فرموده اند:

«بعقیده من یکی از پراح ترین و اگر بگویم پر اهمیت ترین سرمایه گذاری در امر آموزش و فرهنگ است و همراه آن توجه بیشتر به احترام به دبیر و استاد و مربی و رفاه آنان»

چه همکاریان بهتر میدانند هر مکتبی اهمیت و عظمتش به زنان و مردان کارآمد آن مملکت است نه به وسعت خاکش و نه به منابع طبیعی اش، البته اگر وسعت خاکش زیاد باشد و منابع طبیعی اش سرشار میتوان گفت، نور علی نور است ولی اگر آدم داشته باشد در همان مملکتی که خشک و لم یزرع است این آدم ها با علم خود این مملکت را آباد خواهند کرد. منابع طبیعی اش را کشف و استخراج خواهند نمود و حتی قادرند بطور مصنوعی برایش منابع طبیعی درست کنند. پس مملکت برای ساختن و پرداختن آدم میخواهد. آدم دانا، توانا، سرشار از فرهنگ ملی، وطن پرست، شاه دوست، عقیده من اینست که اگر ما آدم داشته باشیم همه چیز داریم.

ما اگر آدم داشتیم و اسیر تکنولوژی خارجی نبودیم

تمام معنی تأمین کرد شکی نیست چنانچه زندگی مادی استاد به نحو آبرومند و شایسته‌ای تأمین نباشد و مجبور باشد به ضرب سیلی صورتش را سرخ نگاه دارد این شخص نه میتواند به کار استادی خود برسد و نه حتی تأمین معاش. این نمیتواند برای شما استاد خوبی باشد. هیچ انتظاری هم نباید از او داشت. اگر خودش هم بخواهد باقتضای شغلش طلبه باقی بماند. زن و فرزندانش نمیتوانند، جواب آنها را چه بدهد؟ آنها که می‌بینند یک زمین خوار، یک مقاطعه کار، یک بساز و بفروش بی‌سواد از خدا بی‌خبر یک شبه ره صد ساله طی میکند و بدون زحمت صاحب همه چیز می‌شود، این طبیعی است که در روحیه آن استادی که سالها زحمت کشیده، تحصیل کرده اثر نامطلوب میگذارد. استادی که کارش را بلند باشد استادی که به کارش علاقه دارد. استادی که با آخرین اطلاعات روز در رشته تخصصی اش خود را هم‌آهنگ میکند. استادی که بتواند بخوبی از عهده راهنمایی دانشجویانش یعنی فرزندان من و شما برآید استادی که وطنش را دوست میدارد و به شاهنش عشق میورزد. این استاد را باید محترم شمرد به نحوی تشویق و تمام وسائل رفاه او را فراهم کرد تا برای شما مفید واقع شود. بهر صورت اصل تشویق و توییح باید در دانشگاه‌ها و بلکه در تمام شئون مملکت عملی گردد. بین خادم و خاکی فرق گذاشته شود و بقول معروف همه به یک چوب رانده نشوند بخصوص در نظر داشته باشیم که در شرایط کنونی چاذبه بخش خصوصی و کارهای انتفاعی خیلی بیشتر از کشتش تهریس و پژوهش در دانشگاه است چه بسیار کسانی که قلباً به تحقیق و تدریس علاقمندند اما به دلیل آنکه شرایط مادی دانشگاه تأمین کننده زندگی آنان نیست اجباراً به سایر بخش‌ها روی می‌آورند پس همانطور که عرض کردم وضع استاید را روشن کنید و آن مقام معنوی و موقعیت مادی که باید داشته باشند به آنها بدهید.

در حال حاضر دریافتی هیئت علمی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نه یکسان است و نه برطبق ضوابطی که مشخص باشد همانک با وجود توصیه‌هایی که در کنفرانس انقلاب آموزشی رامسردراین زمینه شده تا جائیکه من اطلاع دارم کوشش شورای مرکزی دانشگاه‌ها گویا هنوز به نتیجه قطعی نرسیده. امید است مسئولان امر در دولت در این مورد اقدام شایسته مبدول دارند در نظر داشته باشیم که مشکل اساسی مملکت ما

در حال حاضر کمبود استاد است. از یک نظر کلی برای هریک هزار دانشجو باید یک استاد وجود داشته باشد ما اکنون قریب ۱۷۵ هزار دانشجو در سطوح مختلف داریم که باید قاعدتاً ۱۷۵۰۰ استاد داشته باشیم که نداریم و لازم است در این مورد چاره جوئی شود من فکر میکنم صلاح است همانطور که بدفعات تذکر داده‌ام تمام کوشش خود را برای جذب ایرانیان تحصیل کرده مقیم خارج یا باصلاح مغزهای فراری بخرج دهیم جلوی ضرر از هر کجا گرفته شود منفعت است آنها را به کار دعوت کنیم و از وجودشان برای تربیت فرزندان این مملکت که سازنده ایران بزرگ فردا هستند بهره‌گیری نماییم. مسلماً این موضوعی است که مدنظر دولت خواهد بود.

اواسر اخیر شاهنشاه به دولت جدید مبنی بردادن استقلال و اختیارات بیشتر به دانشگاه‌ها موجب کمال خرسندی و سپاس دانشگاهیان سراسر کشور گردید. مسلماً آنها به مسئولیت سنگین خود واقفند و آنرا از جان و دل پذیرا میباشند. بنظر اینجانب تقویض این اختیارات در تمام سطوح دانشگاهی باید عملی شود در عین حال که بین کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در این مورد هماهنگی وجود داشته باشد در نظر داشته باشیم که این دستگاه‌ها برای پیشرفت کار این مملکت درست‌شده. باید کاری کرد همه با همدیگر همکاری کنند همه با همدیگر صمیمیت داشته باشند. همه باید آنقدر توانائی و قدرت داشته باشند که تحمل شنیدن انتقاد را در صورت لزوم داشته باشند. هیچ انسان خردمند و آزاده‌ای از شنیدن انتقاد صحیح نمی‌رنجد اما اگر این انتقاد ناصحیح باشد توسط اشخاص فاقد صلاحیت و عوام فریب و متعلق و به خاطر مقاصد و اغراض شخصی صورت گیرد مطمئناً نه دانشگاه نه دولت، نه مردم از آن سودی نمی‌برند و طرفی نمی‌بندند.

رئیس دانشگاه، رئیس دانشکده و مدیر گروه آموزشی هریک باید اختیارات مشخصی داشته باشند اگر میخواهیم دانشگاه بهترین بازده را به بار آورد باید همانطور که خواست رهبر اندیشمند ماست اختیارات لازم را باو تفویض کنیم. از تازو بودهای پیچیده و غلط اداری که سالهاست گریبانگیر آنهاست خلاصشان کنیم و به نظم خاص دانشگاه که متمایز از نظم اداری است احترام بگذاریم.

میسر نمیشود. حس میکند اگر خوب به وظیفه اش عمل کند کم کاری نداشته باشد. بدانشجویانش برسند خودش را Up-to-Date نگاهدارد نوبت او هم خواهد رسید. ارشد خواهد شد پست مدیریت خواهد داشت. والا باید همیشه در این فکر باشید که جوان از راه رسیده دیگری بالاتراز او قرار خواهد گرفت و همین فکرش را بخود مشغول داشته و او را از انجام وظیفه و کار اصلیش باز خواهد داشت. این به نظر بنده یکی از معایب دستگاههای آموزش عالی است که بایستی برطرف شود. و از بروز آتسفر قانون جنگل در دانشگاه‌ها جلوگیری بعمل آید اگر قرار است رئیس دانشگاه، رئیس دانشکده انتصابی باشد بهتر است مدیران گروه‌های آموزشی هم انتصابی باشند و باصلاح یک بام و دو هوا نباشد و همانطور که عرض کردم صلاح است ارشدترین و با تجربه‌ترین آنها برای این مهم در نظر گرفته شوند و اختیارات وسیع برای پیش برد اهداف آموزشی و پژوهشی خود داشته باشند والا باین شکل که در حال حاضر تصور گوناگون در دانشگاه‌های ما عملی میشود صحیح نیست و همان بهتر است که وجود نداشته است. نکته مهم دیگر اینکه در انتخاب افرادی که قرار است در رأس پست‌های مدیریت سازمانهای آموزش عالی قرار گیرند باید توجه داشت حتی المقدور از کسانی استفاده شود که تخصص و تجربه و آشنائی لازم با مسائل آموزش عالی و تربیت و تولید نیروی انسانی را داشته باشند.

کار دیگری که کردیم تشکیل هیئت‌های امنا بود. ۱۰ سال پیش شاهنشاه با دوراندیشی که در همه زمینه‌ها دارند باتوجه به لزوم گسترش کمی و کیفی دانشگاه‌ها امر فرمودند که دانشگاه‌ها با تشکیل هیئت‌های امنا از استقلال و آزادی عمل متناسب با فعالیت خود برخوردار شوند. منظور از تشکیل هیئت‌های امنا این بود که در هر دانشگاه گروهی از افراد بصیر گرد هم آیند و علاوه بر تسهیل در امور مالی و اداری مؤسسات آموزش عالی با استفاده از امکانات خود همکاری بخش خصوصی را با دانشگاه میسر سازند متأسفانه در عمل برای استفاده از نفوذ مقامات دولتی عضویت هیئت‌های امنا به عده‌ای تعویض شد که برای مشارکت فعال در امور دانشگاه‌ها وقت کافی نداشته و در نتیجه هیئت‌های امنا بجای رسالت اصلی خود نقش صحنه گذاری برآعمانی که از آن آگاهی کافی نداشتند بر عهده گرفتند علت آنهم اینست که همانطور که شاهنشاه در هشتمین کنفرانس ارزشیابی

از گروه آموزشی اسم بردم. این هم از آن کارهاییست که در چند سال اخیر به تقلید از دانشگاه‌های امریکا پیاده کردیم که متأسفانه نتوانستیم درست عمل کنیم باین ترتیب که اولاً ترکیب گروه‌های آموزشی در دانشکده‌های مختلف دانشگاه‌های کشور یکسان نیست که شاید صلاح بوده اینطور باشد ثانیاً مدیران این گروه‌ها که حساس‌ترین کار دانشگاهی را عهده دارند کوچکترین اختیاری ندارند و معمولاً در برخی از دانشگاه‌ها با رأی اعضاء گروه مربوطه انتخاب میشوند و بالطبع در برابر آنها احساس مسئولیت میکنند و در انجام خواست های آنان قاعدتاً باید مشرثمر باشند ولی در بیشتر اوقات قادر بانجام هیچ نوع کار سازنده‌ای نیستند. بودجه‌ای در اختیار ندارند و برای رفع احتیاجات گروه خود باید از هفت خوان رستم اداری بگذرند.

در برخی از دانشگاه‌ها هم رئیس دانشکده دونفر از میان گروه به رئیس دانشگاه معرفی میکنند و رئیس دانشگاه یکی از آنها را به مدیریت گروه منصوب میکند. بعضی اوقات هم افرادی را به این کار می‌کارند که ارشدیت ندارند در اینجاست که موضوع حرمت استاد پیش می‌آید. یکی از عوامل حرمت استاد رعایت پیش کسوتی و ارشدیت است که فکر میکنم در تمام شئون مملکت باید مراعات شود. شاهنشاه فرموده‌اند: «ضرورت توجه به معنویات در دنیائی که سرعت از طریق ماده پرستی تهدید میشود امری است بدیهی».

بنده به هیچ وجه منکر استفاده از نیروی جوانان در خدمت نه تنها به دانشگاه بلکه در کلیه سازمانهای مملکتی نیستم بلکه اعتقاد دارم که باید به موقع و به جای خود حداکثر استفاده از وجود آنان بشود حتی در امر مدیریت اگر لازم باشد. ولی باید قبول کرد که در کار مدیریت تجربه لازم است ممکن است جوانی معلوماتش بسیار خوب باشد و آخرین اطلاعات را در رشته تحصیلی خود داشته باشد ولی از مدیریت خوب برخوردار نباشد برعکس آن استادی که ۳-۲ سال سابقه تدریس داشته

و تجربه های زیادی آموخته و مسلماً گروه خودش را باصلاح Up-to-Date کند در پست مدیریت بهتر میتواند مشرثمر باشد چنانچه این استاد تحت نظر یک فرد جوانی از راه رسیده قرار گیرد شما مجسم کنید چه معایبی بهار می‌آورد اختلافات کم کاری‌ها. بی‌تفاوتی‌ها از همین جا ناشی میشود و شکی نیست که عواقب آن دامن گیر دانشجویان هم خواهد شد. بعلاوه خود این استاد جوان متوجه میشود بقول معروف ناردم رنج گنج

انقلاب آموزشی را مسر فرمودند:

« هیئت‌های امنا از افرادی تشکیل شده، اغلب کار شخصی یا مسئولیت فردی خودش تمام وقتش را میگیرد و در یکی دو تا سه تا، چهار تا دانشگاه عضویت دارد. البته نمی‌رسد. در تعیین افراد هیئت امنا این دقت باید بشود که او قادر به انجام کار شود و الا همانطور که گفتید بدون اصلا نظر داشتن بخود این شخص که اینها هم اشخاص بسیار خوب و درجه یک این مملکت هستند ولی نمی‌توانند فقط غرضی باشند که به نشینند و فقط سر تکان بدهند و الا فرصت رسیدگی بکارها را نخواهند داشت. » روی این اصل باید توجه داشت چنانچه وجود هیئت‌های امنا دانشگاه‌ها ضرورت دارد اعضاء آن طوری انتخاب شوند که فرصت انجام کارهای مربوط را داشته باشند و از طرفی باید توجه داشت که هیئت‌های امنا از اختیارات کافی برخوردار باشند و اثر وجودی داشته باشند در غیر این صورت بناگفته جناب آقای دکتر باهری در نهمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی را مسر هیئت‌های امنا دستگاه‌های معطله شورای مرکزی هستند که در طول عمر دو ساله موقتی در انجام رسالت خود نداشته است و دانشگاه‌ها در تصحیح ضوابط خود درمانده‌اند تنها فایده آنها اینست که بصورت پناهگاه مدیریت دانشگاه‌ها در مقابل دستگاه‌های اداری درآمده‌اند.

نکته دیگری که ذکر آن در اینجا ضروری بنظر میرسد اینست که در دانشگاه‌ها معمولاً دوازده کارمند وجود دارد یکی اعضاء هیئت علمی و دیگری کادر اداری. این دو کادر در یک سازمان با مقررات استخدامی متفاوت مانند دو قطب متضاد مشغول خدمت هستند و اکثراً با یکدیگر همکاری ندارند و یا کند کاری و عدم علاقه به کار محیط ناساعدی را بوجود می‌آورند. از طرف دیگر اکثر مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها از طرف وزارت امور اقتصادی و دارائی مأموری وجود دارند بنام ذی‌حساب و مدیر امور مالی که همانند شمیر داموکلس در بالای سردانشگاه‌ها خود نمائی میکنند و بایک لشکر آئین‌نامه، مصوبه، تبصره ماده و نمره که از طرف وزارت متبوع خود در اختیار دارد و از دید خودش صحیح هم هست چوسدی بزرگ در برابر کارهای دانشگاهی قرار می‌گیرد و گاه عملاً در تصمیم‌گیری برای مسائل آموزشی دخالت مستقیم دارد و میتواند موجبات کند کاری در فعالیت این آموزش را فراهم آورد. جناب آقای دکتر آموزگار استدعای من اینست که برخلاف قول معروف که میگوید « خداوند سایه شما را از دریا کم

نکند» شما را بخدا کاری کنید که سایه این مأمور را از سر دانشگاه کم کنید و اگر ممکن باشد بردارید. این تازه یکی از هفت خوان رستمی است که نام بردم. خوان‌های دیگری هم وجود دارد که امیدوارم هنگام دادن استقلال بیشتر به دانشگاه‌ها مد نظر دولت جدید خواهد بود.

این خوان‌ها سازمانهای مختلفی هستند که در حال حاضر دانشگاه‌های ایران از نظر امور اداری بودجه، اعتبارات و انتخاب عضو اداری و امور آموزشی با آن سروکار دارند که برای گرفتن و تصویب بودجه و گرفتن اعتبارات و انتخاب عضو اداری علاوه بر هیئت امنا باید با سازمان برنامه و بودجه سازمان امور اداری و استخدامی کشور وزارت اقتصاد و دارائی مکاتبه شود تا به مرحله عمل درآید.

مکاتباتی که ممکن است ماهها بطول انجامد و بدین ترتیب پیشرفت کارها را به تعویق اندازد یا اگر قرار است هرگونه اضافه حقوق برای اعضاء هیئت علمی منظور شود. باید پس از آنکه به تصویب کلیه مقامات فوق رسید در یک هیئت سه نفری دیگر مورد رسیدگی مجدد قرار گرفته در صورت تأیید هیئت اخیر قابل پرداخت خواهد بود. آنوقت شما انتظار دارید که کار دانشگاهی پرکشش و با جاذبه باشد آنهم برای کسانی که سالها تحصیل کرده و زحمت کشیده‌اند؟ من عقیده دارم چنانچه به دانشگاه‌ها استقلال داده شود بطوریکه آنها قادر باشند امور اداری و سازمانی و بودجه و اعتبارات خود را فقط با تصویب هیئت امنا خود انجام دهند گامی بزرگ در جهت اعتلای دانشگاه‌ها برداشته‌ایم و در پیشرفت کارها کمک مؤثری به آنها نموده‌ایم.

رسالت مهم دیگری که دانشگاه‌ها به عهده دارند امر پژوهش است. طبق محاسبات انجام شده ما برای اینکه در آخر برنامه هشتم قادر به رقابت صنعتی با کشورهای دیگر باشیم باید لااقل سی هزار محقق داشته باشیم که بتواند یک درصد از درآمد ناخالص ملی آن زمان را صرف تحقیق کند تا وقتی این منظور حاصل نشود مادر معرض تهدید اسارت صنعتی و تکنولوژی دیگران باقی خواهیم ماند. متأسفانه باید اذعان کرد که مادر این زمینه هیچ پیشرفتی نداشته‌ایم. دانشگاه‌های ما آنقدر گرفتاریهای گوناگون دارند که از این امر مهم غافل مانده‌اند. بعلت ضیق وقت بعنوان مثال دانشگاه‌های پزشکی را نام می‌برم همانطور که در جلسات متعدد معروض داشته‌ام بار در مان این دانشگاه‌ها چنان درگیر و فلج کرده است که نه تنها به پژوهش نرسند

حتی امر آموزش را که یکی از وظائف اصلی آنانست از یاد برده‌اند بدفعات پیشنهاد کرده‌ام و بازم تکرار میکنم که صلاح است دانشگاه‌های پزشکی کشور را از سر بردمان معاف کنید. بدین معنی که این مسئولیت بزرگ را از دوش آنان بردارید و موجباتی فراهم آورید که این وظیفه را درست به عهده وزارت بهداشت و نه پزشکی بگذارید به دانشگاه‌های پزشکی فرصت دهید که به دوا سر مهم تربیت پزشک با کیفیت خوب و پژوهش در سطح بالا بپردازد. امیدوارم این مهم مورد توجه دولت قرار گیرد و برای این کار فکری بشود من بعنوان یک استاد دانشگاه پزشکی برای بار دوم از پشت این تریبون مقدس اعلام میکنم چنانچه مسئولیت در مان از دانشگاه‌های پزشکی کشور سلب نشود آموزش پزشکی در مملکت ما همانطور که شروع شده سیر قهقرائی خواهد پیمود و کیفیت آن سقوط خواهد کرد و این امر بالمال به نفع مردم و مملکت نخواهد بود.

همکاری های بین دانشگاهی نیز از دیگر مسائلی است که باید مدنظر باشد که دو صورت دارد یکی همکاری بین دانشگاه‌های ایران و خارج که در حال حاضر در برخی دانشگاه‌ها وجود دارد که بعقیده اینجانب بسیار نافع است و صلاح است در سطح وسیع‌تری گسترش یابد بشرط آنکه دانشگاه ایرانی طرف قرارداد امکانات صحیح از نظر منابع علمی و انسانی داشته باشد. دانشگاه خارجی طرف دیگر قرار داد نیز حتماً از دانشگاه‌های معتبر و سطح بالا باشد.

دیگر همکاری بین دانشگاه‌های داخلی که میتواند متضمن فواید بسیار باشد ولی متأسفانه در حال حاضر آنطور که باید و شاید وجود ندارد باید بطریقی این روحیه تعاون و تعاضد و کمک به یکدیگر را در بین آنها بوجود آورد و آنها را از حصری که بدور خود کشیده‌اند خارج ساخت.

باید توجه داشت که هیچ کشوری نمیتواند همه افراد را در آموزش عالی وارد کند صحیح هم نیست اگر همه بخواهند مثلاً پزشک یا مهندس شوند تأمین سایر نیازمندیهای جامعه چگونه عملی خواهد شد. قبلاً باید نیازهای جامعه معلوم شده باشد و متناسب با آن مدارس عالی و دانشگاه‌های خود را برای تربیت نیروی انسانی مورد احتیاج تجهیز کنیم. با اواخر اخیوشاهنشاهی وزارت علوم و آموزش عالی مأمور تربیت شناخت نیازها و تعیین اولویت‌ها شده است این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است امید است دولت

در این راه توفیق کامل حاصل نماید و موجبات رضامندی خاطر خطیر شاهنشاه آریامهر را فراهم سازد از طرف دیگر باید توجه داشت در حال حاضر در بسیاری از مشاغل خلاء دیده میشود مثلاً در علم پزشکی بین پزشک، کمک پزشک، پرستار، بهیار و غیره یا در رشته‌های فنی بین مهندس، کمک مهندس، تکنیسین، کارگر متخصص، کارگر ساده و غیره باید به پر کردن این خلاءها همت گماشت در غیر اینصورت نظم اجتماع برهم میخورد. در مملکت ما متأسفانه به محض آنکه یک آموزشگاه تکنیسین باز میشود بلافاصله بفکر دانشکده شدن و سپس دانشگاه شدن آن هستند. این نباید این طور باشد. باید همه جوانب امر را در نظر داشت و نباید ضرب المثل مشهور: هر چیزی بجای خویش نیکوست من باب مثال در حال حاضر در حال حاضر موقعیتی که مملکت ما بسرعت رویه صنعتی شدن می‌برد تأسیس هر چه بیشتر مدارس فنی و حرفه‌ای از اقدامات ضروری بشمار می‌رود که خوشبختانه در برنامه دولت منظور شده است با توجه به این اصل که تا ابد نمی‌توان به نیروی انسانی خارجی تکیه کرد باید به ترتیب یک نیروی متخصص ایرانی اصیل که فرهنگ ایرانی داشته باشد همت گماشت صرفاً نباید جوانان را به گرفتن مدرک عادت داد و از عمل خطرناک مدرک‌گرانی باید جداً جلوگیری کرد. در عین حال باید ضوابط استخدامی را از مدرک‌جوئی حذف کرد و به دانسته‌های حرفه‌ای بیش از مدرک تحصیلی توجه شود در اینصورت دانشگاه میتواند در خدمت علم برای علم باشد در غیر اینصورت همه جوانان همانطور که الان مرسوم است سعی خواهند کرد مدرکی بدست آورند و یا دیپلم بگیرند تا با اصطلاح از مزایای قانونی این مدرک یا دیپلم بهره‌مند شوند چرا که متأسفانه هنوز ارزش افراد به نوع دیپلم و مدرک آنهاست نه به کاری که میدانند برخی هم با در دست داشتن مدرک تحصیلی یا در رشته‌هایی کار میکنند که با تخصص آنها وفق نمیدهد یا اینکه به مشاغل آزاد روی می‌آورند چرا که نیاورند؟ در حالی که حقوق و درآمد یک بنا از یک لیسانس بیشتر است این قبیل موارد باید مورد مطالعه قرار گیرد اگر واقعاً نیازی بوجود این تخصص‌ها نیست باید از تولید آنها جلوگیری کرد رشته‌هایی را تقویت نمود که نیاز مملکت به آنها بیشتر است از طرف دیگر باید فکری برای اطفال روستائی کرد که استعداد دارند ولی بعلت نداشتن دبستان و دبیرستان نمی‌تواند به آموزش عالی دسترسی داشته باشند باید به بتانسیل موجود در روستاها توجه نمود. تعلیمات عشائری

که در یک نقطه کوچک از مملکت شروع شد توانست تعدادی از آنها را به دانشگاهها وارد کند گویا اینها از بهترین دانشجویان بوده‌اند اگر برنامه ریزی درجه‌تی ریخته شود که روستائیان هم بتوانند به دانشگاه‌ها و مدارس عالی راه پیدا کنند ما دارای یک نیروی انسانی اصیل ایرانی خواهیم شد.

نظریه احتیاج مبرم مملکت به نیروی انسانی صلاح است بوضع جوانان و دانشجویان توجه خاص مبذول شود اوامرشاهانه در این مورد همیشه شرفصدور یافته است دولت سابق هم خوشبختانه باین امر حساس توجه نموده و اقدامات معنوی در جهت رفاه آنان انجام داده است ولی اگر قرار باشد همانطور که خواست رهبر عالیقدر ماست در ۱۲ سال آینده بوضع فعلی کشورهای اروپائی برسیم و در ۲۰ سال بعد در ردیف کشورهای پیشرفته جهان قرار بگیریم که مسلماً هم باین هدف خواهیم رسید ضرورت ایجاد میکند که به جوانان و مسائل آنان بیشتر فکر کنیم و به آنها برسیم. مشکلات آنان را حل کنیم. در پرورش و آموزش آنان بیشتر وسواس بخرج دهیم راجع به پرورش و اینکه باید مقدم بر آموزش باشد زیسادی بحث شده بطور خلاصه کلمه پرورش در نظر اول پرورش اندام را مجسم میکند و حال آنکه چنین نیست. پرورش در ورزش خلاصه نمیشود. اگر به جوان بگوئیم بدنبال اعتیاد نرود مضار اعتیاد و عواقب آن برایش تشریح شود. اگر به دانش آموز با منطق به قبولانیم قمار چیز بدی است اگر به جوان بیاموزیم که تفریحات سالم و ناسالم چیست و او را با بیماریهای آمیزشی و عوارض آن آشنا کنیم به امر خطیر پرورش توجه کرده‌ایم اندیشه سازی، بینش سیاسی، دید اجتماعی، شناخت فرهنگ ملی، تعلیم مبانی دینی، تربیت معلم با دانش و بینش صحیح، شناخت ایران و آشنائی با سنت‌های ایرانی مسائل پرورشی جوانان را تشکیل میدهد. درجائی خواندم بودجه‌هایی که برای امور پرورشی در نظر گرفته شده فقط ۳۰ شاهی اعتبار برای دانش آموز در ماه میباشد. حال آنکه این اعتبار برای امر آموزش بین ۴-۲ تومان است به کسانی که بعنوان معلم پرورشی انجام وظیفه میکند در دستگاه آموزش و پرورش اصطلاح مفتخوردولی اطلاق میشود و اکثراً آنها را به شغل دفتر داری در مدارس میکمارند علاوه تعداد آنها بسیار کم است بازاء هر ۱۰۰ دانش آموز فقط یک معلم پژوهشی وجود دارد که از قرار معلوم آموزش کافی هم ندیده آماده پاسخ گویی

به سوالات گوناگون دانش آموزان هم نیستند من نمیدانم این مطالب تا چه اندازه صحت داشته باشد اگر واقعاً همین طور باشد که از قول خود آنان گفته شده ضرب المثل مشهور « وای بوقتی که بگردد نمک » تداعی معانی میشود. وای بحال آن نوجوان و جوانی که تحت نظر این نوع معلم پرورشی پرورش یابد.

هم چنین بنظر می‌آید که نظام آموزشی از آموزش‌های اخلاقی غفلت کرده تا جائیکه جوانان ما را دچار بیماری تبه کاری های جوانان و بروز حوادث تأسف بار و ملال انگیز جاده‌ها کرده است در این مورد تجدید نظر در آموزش‌های خانگی و آموزشگاهی الزام آور است.

از جناب آقای دکتر آموزگار استدعا میکنم و مصراً میخواهم به این مسئله مهم که با آینده مملکت ما بستگی دارد توجه خاص مبذول فرموده به وضع مالی و معنوی معلمین پرورشی رسیدگی و ترتیبی اتخاذ فرمایند تا این به اصطلاح بل‌های بین خانواده و مدرسه مستحکم باقی بمانند هم چنین عنایت فرمایند کار انجمن‌های خانه و مدرسه جدی تر گرفته شود تا ارتباط بین خانه و مدرسه و مشارکت واقعی آنها برقرار باشد. رسانه های گروهی بویژه رسانه های گروهی صوتی - تصویری نیز باید در این زمینه احتمالاً بدآموزی های گذشته را جبران کنند و راه تازه‌ای برای ارشاد جوانان جامعه ما و خانواده‌های آنان بیابند. در نظر داشته باشیم همین نوجوانان و جوانها هستند که زیر بنای ایران بزرگ و فردا را میسازند باید در بالا بردن سطح دانش و بینش آنها بکوشیم نوجوانان و جوانان تمام مملکت از روستا گرفته تا شهر نشین از دوره کودکی تا دانشگاه مشمول این نظر خواهند بود در صفحه دوم گزارش دولت چنین آمده بود:

« هر چند کشور ما در شرایط کنونی با کمبود نیروی انسانی کارآمد روبرو است ولی باید به این واقعیت توجه داشت که نزدیک به نیمی از جمعیت ایران در سنین کمتر از ۱۶ سالگی قرار دارد که در آینده نزدیک وارد بازار کار میشوند. »

جناب آقای دکتر آموزگار، جان کلام اینجاست که باید دید اینها با چه کیفیتی وارد بازار کار خواهند شد؟ مسلماً هدف دولت جنابعالی چیزی جز تحویل مغزهای جوان با کیفیت مطلوب به جامعه ایران فردا نخواهد بود. در جهان پرتلاطم امروز کشوری که صاحب مغزها نباشد نباید به آینده خود امید زیادی داشته باشد.

این مغزها هستند که در عصر تکنولوژی امروز و جهان پیشرفته فردا میتوانند افتخار آفرین باشند و بالاترین

خدمات را در تمام سطوح به مملکت خود ارائه دهند. و در صحنه رقابت‌های بین‌المللی موجبات سرافرازی و پیروزی کشور خود را فراهم سازند روی این اصل باید به کلیه اموری که به آنها مربوط میشود توجه خاص نمود توسعه و تکمیل ساختمان خانه جوانان، کاخ‌های جوانان، احداث کاخ‌های جوانان جدید. توجه خاص به امر ورزش و تربیت بدنی. گسترش استادیوم‌های ورزشی ایجاد استادیوم‌های جدید از جمله اقداماتی است که خوشبختانه دولت سابق در سال‌های اخیر انجام داده دولت جدید هم در برنامه خود به آنها توجه نموده است. ولی کافی بنظر نمی‌رسد. و صلاح است در مقیاس وسیع‌تر و گستره‌تر به مرحله اجرا درآید. توسعه و تکمیل و تجهیز خوابگاه‌های دانشجویی و کمک بیشتر به سلف سرویس‌های آنان و تهیه کار برای دانش‌جویان. توسعه عملیات صندوق رفاه دانشجویان برای اعطای کمک هزینه تحصیلی کمک هزینه مسکن و وام به دانشجویان داخل و خارج کشور.

در مورد دانشجویان خارج کشور تاکنون صحبت زیاد شده دولت باید واقعاً فکر اساسی بکند. بنظر اینجانب صلاح است اولاً از پراکندگی آنها در کشورهای مختلف جهان جلوگیری بعمل آید ثانیاً به آنها اجازه داده شود فقط در دانشگاه‌های معتبر و مورد قبول آنها در کشورهای لاقبل هم‌تراز کشور خودمان و در رشته‌های مورد نیاز جامعه خودمان در خارج به تحصیلات خود ادامه دهند واز همه نقطه نظر تحت کنترل و سرپرستی دقیق باشند تا بتوانند بهترین بازده را برای مملکت ما برسانند آرزو نه اینکه پسر کشور خارجی سرگردان بمانند و آنقدر بمانند که بفرموده شاهنشاه بصورت دانشجویان حرفه‌ای ۴۵-۴۰ ساله و متأسفانه اغلبشان هم نامور کمونیسم بین‌المللی در بیابند یا اینکه از وجود آنها بعنوان آلت فعل برای پیش‌برد مقاصد شوم ضد میهنی بر علیه خودمان بهره‌برداری شود.

در مورد دانشجویان داخل کشور باید توجه داشت که اینها با مشکلات زیادی روبرو هستند و این دشواری‌ها از اولین مرحله یعنی کنکور شروع میشود نحوه پذیرش دانشجویان در سطح‌های اخیر دستخوش تغییرات زیادی شده و همه ساله هم مرتباً تغییر میکند. هیچگاه یک دانشجو نمیداند وقتی نوبت باورسید نحوه پذیرش چگونه خواهد بود. گویا اخیراً معدل کتبی نهانی متوسطه را بادر نظر گرفتن ضرایب مشخص

ملاك عمل قرار میدهند این در صورتی خوب است که امکانات برای کلیه دبیرستانهای مملکت به یکسان فراهم شده باشد و تبعیضی در کار نباشد والا نمیتوان از موزکراسی آموزشی صحبت کرد گویا اینکه پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های مختلف تاحدی منطبق است و تعدادی که در دانشگاه‌های مختلف هم متفاوت است از فارغ‌التحصیلان دبیرستانهای همان منطقه با اولویت پذیرفته میشوند ولی باید در نظر داشت که برخی از مناطق کشور دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی ندارند و معلوم نیست تکلیف آنها چه میشود؟

بعلاوه اکثر دانشجویان در شهر محل تولد خودشان نیستند از خانواده خود دور هستند. از دبیرستان به دانشگاه وارد شده‌اند. پس از خاتمه کلاس درس به آغوش خانواده خود نمیروند و آنها را نمی‌بینند. این خلاء را به نحوی باید پر کرد که امکان هیچگونه انحراف بعلت برخورد با مضامین و معاشیرین نایاب برای آنان فراهم نشود و بدین ترتیب از بروز حوادث ناگوار جلوگیری بعمل آورد. چه این خلاء خطرناک در سال‌های اول برای ما

و دانشگاه‌های ما همیشه ماجرا آفرین بوده است. آخرین مطلب در مورد مجتمع‌های آموزشی و دانشگاه‌های خصوصی است که متعاقب صدور اوامر شاهانه قرار است تأسیس شوند. همانطور که در جلسه علنی مورخ ۲۳ تیرماه ۲۵۳۶ بعرض رسانیدم صلاح است اولاً در اجرای سیاست عدم تمرکز حتماً به این قبیل مؤسسات خارج از تهران اجازه فعالیت داده شود و بخصوص اولویت در رشته‌های مورد نیاز مملکت باشد ثانیاً در انتخاب مدیران و مسئولان این مجتمع‌ها باید تعمق کرد وظیفه وزارت علوم و آموزش عالی در این مورد بسیار خطیر است که بخصوص در صلاحیت این مدیران باید وسواس زیادی بخرج دهد و خدای نکرده به یک مشت مردم سوداگر و منفعت طلب اجازه ندهد که با دخالت خود در این قبیل امور حساس ارزش تحصیلات عالی را از آنچه هست پائین‌تر بیاورند.

به هر صورت فلسفه آموزش و پرورش از خانواده تا دانشگاه باید هماهنگی داشته باشد الگو برداشتن از کشورهای خارجی هم به تنهایی دردی را دوا نمیکند والا این همه بی تفاوتی‌ها دل‌زدگی‌ها، عصبان‌ها، خودکشی‌ها در کشورهای خارج نبود.

مهم‌تر از همه آنکه باید سعی کنیم واقعاً انسان بسازیم انسانهایی که علاوه بر علم و تکنیک ایمان داشته باشند

آدم‌هائی باید تحویل اجتماع فردای ایران بدهیم که به معنا و ماده هر دو توجه داشته باشند انسانهایی که ایرانی واقعی باشند. ایرانی شاد و سست و میهن پرست که مقام و منزلت ایران را در زندگی امروز و آینده بشناسد. آنوقت است که نظر شاهنشاه عزیزمان را تأمین کرده‌ایم و با سرفرازی بدوران تمدن بزرگ خواهیم رسید.

همه میدانیم در راه رسیدن به این هدف باید خیلی زحمت کشید. باید خیلی کار کرد. میدانیم که مشکلات زیادی در پیش داریم. میدانیم با تنگنای سختی رویا روی هستیم ولی اطمینان داریم با داشتن رهبر عالیقدری که ما را خوب رهبری میکند با داشتن روحیه همکاری و مشارکت قابل تحسینی که ملت ما دارد و با ترکیب خوب دولت مصممی که آماده همه نوع خدمت صادقانه و صمیمی به شاه و مردم است ماموف خواهد شد مشکلات را هرچه بزرگ از پیش پای خود برداریم و از تنگناها هرچه سخت براهتی عبور کنیم.

توفیق روز افزون جناب آقای دکتر جمشید آموزگار و همکاران محترم ایشانرا در هیئت دولت در خدمت به شاهنشاه آریابهر و میهن عزیز از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم (احسنت)

رئیس - آقای دکتر تجدد بفرمائید.

دکتر حسین تجدد - بنام خدای بزرگ که جهان را آفرید و بنام شاهنشاه ایران زمین که ایران را بزرگی و عظمت بخشید.

جناب آقای رئیس، همکاران گرامی. فکر میکردیم که سه شنبه بحث درباره برنامه دولت جدید پایان مینماید ولی سه شنبه که تمام نشد امروز هم این بحث هنوز ادامه دارد و من بیست و سومین نفری هستم که در برنامه دولت سخن میگویم.

سه شنبه که من مجلس را ترک کردم نزد خود اندیشه کردم که چرا نمایندگان و همکاران اینهمه شور و اشتیاق دارند که در برنامه دولت جناب آقای دکتر آموزگار بحث و گفتگو کنند مافکر میکنم افق جدیدی در عرصه کار دولت پدیدار شده و ما نمایندگان مینماید در این افق جدید بیشتر بحث و گفتگو نمایم.

مسائل و موضوعات گوناگون، نقطه نظرها و دیدگاههای مهمی که دولت جدید در برنامه کار خودش مطرح کرده این افق جدید را بوجود آورده است.

جناب آقای نخست‌وزیر، شما در برنامه کار خودتان از صداقت و صراحت در بیان مسائل و مشکلات سخن چنان آفریدید

شما در برنامه کار خودتان از تحقق بخشیدن به انقلاب اداری، از برقراری انضباط اداری، از کم‌کاری تشریفات دست و پاگیر و حل و فصل امور مردم در کمترین زمان، از تدوین و اجرای برنامه‌های خاص برای مبارزه با فساد، راجع به جلوگیری از تبعیض در تصمیمات دولتی، راجع به حمایت از کارکنان و وظیفه‌شناس دولت و دیگر مسائل سخن گفته‌اید.

جناب آقای آموزگار: شما در برنامه کار دولت از شروع اصول اخلاقی و اهمیت نقش خانواده‌ها در تربیت انسانها سخن گفته‌اید.

همه این مطالب برای ما شوق‌انگیز و امیدوارکننده است و همین شوق و امیدواری است که ما نمایندگان را آماده سخن گفتن کرده‌ و الا ما نمایندگان شهوت سخن گفتن نداریم بلکه شوق خدمت کردن را داریم و میخواهیم در تحقق بخشیدن به هدفهای بزرگی که شما مطرح کرده‌اید ما هم سهیم و شریک باشیم.

شما در برنامه کار خودتان اعلام کرده‌اید که هرگونه انتقادات سازنده را از سوی مردم مورد توجه قرار میدید و پیشنهادات منطقی را می‌پذیرید. ما نمایندگان خواسته‌ها و نظریات و پیشنهادات مردم را از طریق این مجلس به دولت منتقل میکنیم، ما نمایندگان ۳ میلیون ایرانی هستیم و بحکم وظیفه‌ای که قانون اساسی برای ما معین کرده، از پشت این تریبون حقایق را بازگو میکنیم

از دولت انتقاد میکنیم و امیدواریم که عملاً به بنیم دولت خواسته‌ها و نظریات منطقی ما را مورد توجه قرار میدهد و در عین حال هیچگاه خدمات و کوشش‌های دولت را کتمان نخواهیم کرد ما بارها از پشت این تریبون از دولت گذشته‌زبان به انتقاد گوشوید ولی در عین حال خدمات جناب آقای هویدا و دولت گذشته را که در مسیر انقلاب و رستاخیز انجام شده است از یاد نمیریم:

ما از مردم چه میخواهیم و از مردم چه انتظاراتی داریم: این مردم همواره در حساس‌ترین لحظات و مواقع جان‌بازی و فداکاری میکنند همین مردم بودند که در ایام تیره و تاریک از ۲۸ مرداد ۳۲ دست‌بست هم دادند و با صفوف نسرده خودشان نظام شاهنشاهی ایران را حفظ و حراست کردند همین مردم بودند که فرامین انقلابی شاه را از جان و دل پذیرا شدند همین مردم بودند که بفرمان شاه سینه‌های خود شایاناً سپردند. انگلیس‌ها و عوامل شرکت سابق نفت را از ایران بیرون ریختند و نفت را ملی کردند. و بالاخره همین مردم بودند که در همه حال

اصل وحدت فرماندهی را در نظام شاهنشاهی ایران با جان و دل می‌پذیرند و فرمان شاه را چون فرمان یزدان میدانند. همین مردم بودند که فرمان رهبر مملکت را بدون چون و چرا برای تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران پذیرفتند. مقامات اجرائی هم هر چه از مردم خواستند عمل کردند.

بمردم گفتید یخچال و اتومبیل ایرانی بخرید برای تقویت تولیدکنندگان و صاحبان صنایع خریدند حتی با هر قیمتی که گفتید خریدند. اتومبیل بیوک و شورت امریکائی حدود شش هزار دلار است مردم بیکان را همین قیمت در داخل مملکت می‌خرند.

بمردم گفتید عوارض اتومبیل بدهید که پل و شاهراه هوائی بسازید دادند.

بنهای تبر پست و ودیعه تلفن را اضافه کردید پرداختند.

بنهای بنزین و کرایه تاکسی را گران کردید باز هم قبول کردند. البته اگر نفع زدن ولی بهرحال قبول کردند برای چنین مردمی مینماید خدمت کنیم و حق دارند که از ما خدمت بخواهند موجبات خدمت کردن هم فراهم است و ما مینماید از فرصت‌ها و امکانات مالی و معنوی و از اوقات طلائی که داریم استفاده کنیم.

شاهنشاهی داریم: اندیشمند و توانا و دلسوز. پول و اعتبار هم داریم. سالانه میلیاردها تومان درآمد نفت داریم. دیگر مانند گذشته نیستیم بقول شاهنشاه که بمناسبت روز عمران ملی سال گذشته در کاخ نیاوران به مسئولان سازمان برنامه و بودجه فرمودند در سال ۱۹۲۹ میلادی از امریکا ۲۰ میلیون دلار وام خواستیم و بما ندادند. فقط ما احتیاج به سازمانهای منضبط و دقیق اداری و انسانهای کاردان و لایق و باتقوی و بافضیلت داریم. البته این افراد را داریم ولی کم داریم.

بنابراین جناب آقای نخست‌وزیر، شما که انگشت روی انقلاب اداری گذاشتید بحق گذاشتید تمام موفقیت دولت شما در تحقق بخشیدن به انقلاب اداری است.

در مبارزه با فساد مینماید جدی و قاطع و بی‌امان باشید. تیغ دادگستری زمان انقلاب کند است این تیغ را تیزتر بکنید. سرعت کار و رسیدگی در دادگاههایی که بموارد فساد و رشوه خواری رسیدگی میکنند مینماید بمانند دادگاههای نظامی باشد. فاسدی که بداند بجای مجازات پرونده‌اش ۱۰ سال در دیوان کپفر خاک می‌خورد تری ندارد و به قانون و دادگستری می‌خندد. دزدی و رشوه خواری در عصر انقلاب نکند عمل ضد انقلابی است

خائنین را دراز بکنید تا مردم به بینند در طول ۱۰ سال که از انقلاب ایران میگذرد ما به پیشرفتهای زیادی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی نائل شده‌ایم ولی آنچه را که بنام تنگنا از آن نام میبریم و در طول سالهای اخیر ورد زبان ما شده است معلول عدم هماهنگی بین امور و برنامه‌ها و عدم آینده‌نگری و ژرف اندیشی و جامع نبودن برنامه‌ریزیهای رشد اقتصادی و صنفی بوده است هنگامیکه کالاهای زیادی را از خارج وارد میکنیم ولی برای انتقال و استفاده از این کالاهای انبار و جاده و کامیون و راننده و راه‌آهن نداریم و میلیونها تومان هم سوراخ‌سوراخ میدهیم باین سبب است که قبلاً برای کارهای خودمان برنامه‌ریزی جامع نکرده‌ایم و آینده‌نگر نبوده‌ایم.

آنچه که امروز بنام مشکل مسکن ظاهر شده و تعادل اجتماعی و اقتصادی جامعه ما را بهم زده است مربوط به یکسال و دو سال و سه سال پیش نیست بلکه از چند دهه پیش این مشکل قد علم کرده و بصورت کنونی جلوه‌گر شده است اگر دولتهای گذشته آینده‌نگر بودند. اگر بموقع جلوی زمین بازی و زمین خواری و بورس بازی گرفته میشد ما امروز مشکلی بنام مشکل مسکن نداشتیم ولی آنقدر در این کار کوتاهی کردیم تا اینکه مشکل مسکن یکی از بزرگترین مشکلات مملکتی شد و امروز رهبر مملکت دست قدرت از آستین بیرون آوردند تا با فرامین انقلابی این مشکل بزرگ اجتماعی را حل نمایند.

اگر امروز چهره مخوف و زشت تورم و گرانی قیمتها دامنگیر جامعه ایرانی شده است باین سبب است که از میزان تولیدات صنعتی و کشاورزی مملکت غافل شده‌ایم صادرات را توسعه ندادیم و تولیدکننده و واردکننده و فروشنده را کنترل نکردیم و قیمت‌گذاری صحیح کالاهای براساس و بیانی علمی انجام نشد و امروز چنین تورم گریبان‌گیر جامعه ما شده است. مردم هم از خریداری و مصرف کالاهای گران صرف نظر نکردند و دولت هم هیچگونه نقش و وظیفه‌ای برای مهار کردن مصرف بی حد و حساب کالاهای بعهده نگرفت حتی خیلی مواقع دولت با وارد کردن کالاهای و مواد غیر ضروری، مردم را به مصرف تشویق کرد.

جناب آقای نخست‌وزیر: تابعال گروهی از دوستان و همکاران درباره مسائل و موضوعات مختلف در برنامه دولت بحث کردند. اکنون هم من اجازه میخواهم که راجع به چند مسئله مطالبی را عرض برسانم:

یکی از مهمترین قسمت‌های برنامه دولت براساس

اوامر شاهنشاه آریامهر مبارزه با تورم و افزایش قیمت هاست مسئله تورم و افزایش قیمت ها-یک مسئله جهانی است و همانطور که رهبر مملکت فرمودند تورم دوجور است یکی توری که از خارج بما تحمیل شده و دیگر تورم مصنوعی داخلی که ب اثر سوء تدبیر دولت و سودجویی بعضی ازوارد کنندگان و تولید کنندگان و فروشندگان داخلی بوجود آمده است. تورم برای یک کشور آثار وخیم اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را بعهده دارد و امنیت و آرامش یک کشور را بخطر می اندازد.

در این مجلس متخصصین علم اقتصاد چه در بین نمایندگان دولت و چه در بین نمایندگان ملت هستند و من میتوانم بطور کلی آنچه را که یک نماینده مجلس مینماید بداند در این باره عرض کنم.

یک اقتصاد ملی دارای سه هدف است:

اول رشد و توسعه، دوم ثبات نسبی قیمت ها، سوم حداکثر اشتغال یا حداقل بیکاری اما از نظر ارتباط این سه هدف اگرخواستار رشد و توسعه باشیم، با درآمد ارزی که از خارج بامت مینماید و یا بوسیله نشر اسکناس و یا وام گرفتن سرمایه را بامت میآوریم و خرج میکنیم در نتیجه این جریان باعث تشدید تورم میشود بنابراین نرخ رشد ارتباط مستقیم با نرخ تورم دارد برعکس اگر بخواهیم با تورم مبارزه کنیم ناگزیر مینماید در بودجه صرفه جویی کنیم از نشر اسکناس جلوگیری کنیم و از گرفتن وام صرف نظر نماییم و با اصطلاح اقتصاد دانان از یک سیاست انقباض پیروی کنیم و نتیجتاً این جریان ممکن است سبب بوجود آمدن بیکاری شود بهمین ترتیب اگر بخواهیم با بیکاری مبارزه کنیم مینماید نرخ رشد و توسعه را بالا ببریم بنابراین ایجاب میکند که یک ترکیب مناسب و معقولی را بین سه نرخ توسعه و تورم و بیکاری پیدا کنیم و شایسته است که مسئولین اقتصادی مملکت نرخ توری را که اقتصاد ایران هر سال مینواند تحمل کند مثلاً ۵ درصد و یا ۶ درصد در سال تعیین کرده و با یک سلسله محاسبات و اندازه گیری های اقتصادی نرخ رشدی را که متناسب با این تورم است تعیین نمایند، به بیان دیگر برای تعیین نرخ تورم نسبت به نرخ رشد اولویت قائل شویم زیرا همانگونه که رهبر مملکت بهنگام شرفیابی هیات دولت در کاخ راسر فرمودند ما مینماید برگردیم روی یک زنده منطقی که ایجاد عکس العمل نکند چون اگر ۲۰٪ رشد کنیم ولی ۲۰٪ دچار تورم شویم این توزم تا حدود زیادی این رشد را خنثی میکند.

از سوی دیگر همانگونه که شاهنشاه فرمودند ۵۰٪ جمعیت ایران زیره ۱ سال است که چند سال دیگر وارد بازار کار میشوند و ما رشد خودمانرا نمی توانیم ترمز کنیم چون یک دفعه در مقابل مشکل ایجاد هشتصد هزار شغل جدید قرار خواهیم گرفت.

برای مبارزه با تورم ما مینماید از همه عوامل کمک بگیریم. درست است که مسئله تورم و افزایش قیمت ها یک مسئله جهانی است ولی ما مینماید حتی المقدور خودمانرا از وابستگی اقتصادی به کشورهای که بیشتر دچار این تورم هستند آزاد بکنیم و از ورود کالاهای بسیاری به کشور جلوگیری نماییم چون از سال ۱۳۰۴ که ناگهان درآمد نفت افزایش یافت کشور ما بیش از حد تصور با اقتصاد کشورهای دیگر مخصوصاً کشورهای صنعتی غرب وابستگی پیدا کرد و از طریق این وابستگی هرچه بیشتر تورم غربی به کشور ما سرایت نمود. مینماید از یک سو تولیدات داخلی را افزایش دهیم و از سوی دیگر مصرف را در جامعه خودمان مهار کنیم و مردم را تشویق کنیم که بیشتر پس انداز کنند و برای اینکار تدابیر گوناگون اقتصادی اتخاذ نماییم. جهان غرب و کشورهای که تولیدات تبه دارند چنان در جستجوی مصرف کننده هستند که برای فروش هرچه بیشتر کالاهای خود سالانه میلیاردها دلار خرج میکنند. هر روز صدها محصول جدید بازار مینماید که حتی ضرورت وجود آنها مورد تردید است تا آنجا که شنیده ام مسوالتی هم بازار آمده است.

یکی از راههای اساسی و اصولی مبارزه با تورم و افزایش قیمت ها قیمت گذاری صحیح و منطقی کالاهای کار قیمت گذاری کالاهای در مملکت تا بحال صحیح و منطقی نبوده و اینکار تا بحال معایب مختلفی داشته است. سپردن کار قیمت گذاری و نظارت بعهده افرادی که دارای تخصصی در قیمت گذاری نیستند و معمولاً حسابداری میدانند، وجود سازمانهای مختلفی چون اطاق اصناف، مرکز بررسی قیمت ها، شهرداری، اداره استانداردها و امثال اینها در کار قیمت گذاری و نظارت، وجود مقررات متناقض غیر منطقی در مورد تعیین قیمت ها و تعیین سود و استهلاك و هزینه، عدم رعایت معیار در مورد استاندارد کالاهای و با وجود معیارهای نادرست برای استانداردها، وجود مقررات جزائی نامناسب برای احتکار و گران فروشی و بد فروشی. اگر بگوئیم که میزان عرضه و تقاضا و رقابت تولید

کنندگان و وارد کنندگان قیمت ها را تعیین کند مینماید که خیلی مواقع وارد کنندگان و تولید کنندگان با هم سازش میکنند و در واقع در این مکانیسم دست کاری میکنند و مرتباً نرخ ها را به ضرر مصرف کننده بالا مینماید، وارد کنندگان و تولیدگان کمبودهای مصنوعی بوجود میآورند و به پنهان تورم جهانی قیمت ها را خیلی بالا مینماید چون میزان تورم جهانی بمراتب ناچیزتر از میزان افزایش نرخها در ایران است. بعضی از تولید کنندگان داخلی به پنجاه درصد و شصت درصد سود هم قانع نیستند. اتاق اصناف نشان داد که نمیتواند به تنهایی نرخها را کنترل کند. مرکز بررسی قیمت ها هم خیلی مواقع گران تر از قیمت جاری بازار قیمت گذاری کرده و سبب گرانی نرخ کالاها شده است گویا قرار است یک سازمان نظارت بر قیمت ها تحت نظر وزارت بازرگانی ایجاد شود و همزمان با ایجاد آن برای تجدید نظر در مجازات گران فروشان لایحه ای به مجلس تقدیم گردد. و امیدواریم این سازمان بجای مشکل گشائی باری بر دیوان سالاری ما نیفزاید بهر حال قیمت هائی که اعلام میشود حتماً مینماید با نظر و مسئولیت یک مقام مسئول باشد و این مقام جواب بدهد و الا ممکن است قیمت ها بالاتر از قیمت بازار اعلام گردد.

با جریمه کردن هم به تنهایی نمی توانیم با گران فروشی مبارزه بکنیم. سال گذشته اعلام شد که طی یکسال اصناف تهران شصت میلیون تومان جرائم گران فروشی برداختند و اصناف شهرستانها شصدهزار تومان یعنی یک ضدم ولی با این وجود گران فروشی در تهران محسوس تر از شهرستانها بود مینماید نرخ گذاری منطقی و اصولی باشد از یک سو و با در نظر گرفتن جمیع جهات، سود عادلانه در نظر گرفته شود و از سوی دیگر متخلفین و گران فروشان هم جریمه شوند.

اگر ما بی جهت و بدون منطقی تولید کنندگان و فروشندگان را جریمه کنیم و قیمت ها را بدون جهت و بدون منطقی پائین بیاوریم کاهش تولید بوجود مینماید کاهش تولید افزایش قیمت ها را بدنبال خواهد داشت. شاهنشاه آریامهر چندی قبل در مصاحبه یکی از روزنامه ها «السیاسه» فرمودند اگر سود تولید کننده از حد معینی کمتر باشد سرمایه داری بجای سرمایه گذاری سرمایه خود را در حسابهای سپرده ثابت میگذارد و یا اوراق قرضه معاف از مالیات خریداری خواهد کرد. چند سال تجربه نشان داد که برای مهار کردن تورم و غلبه بر گرانی قیمت ها، تشکیل گروههای ضربت

نیست. کنترل قیمت ها مینماید یک کنترل علمی با شناخت تغییرات عرضه و تقاضا باشد. در حال حاضر وضع بسیار اسفناکی است خیلی از کالاها را تولید کنندگان و فروشندگان بمردم آشکارا مینماید. فی المثل شما اگر برای منزلتان کاشی و یا لوازم بهداشتی بخواهید قبلاً مینماید بکنفر آشنا به فروشنده تلفن کند تا فروشنده مطمئن شود که خریدار بازرسی و یا مأموری نیست که بخواهد نرخش را کنترل کند و آنوقت شما میتوانید جنس را با قیمتی که فروشنده مایل است بخرید با کتور هم نیدهید، آزاد گذاشتن و مدرج کردن نرخها هم در شرایط کنونی خیلی اشکالات را بدنبال خواهد داشت.

حدود دو سال قبل خشک شونیاها به دلایل افزایش مزد کارگر و گران شدن داروهای شیمیائی و غیره تقاضای افزایش نرخ داشتند ولی بعلت ترس از افکار عمومی مسئولین با این تقاضا موافقت نکردند ولی پس از مدتی نرخ خشک شونیاها و لباس شونیاها را آزاد گذاشتند و ناگهان نرخها خیلی بالا رفت و سروصدای مردم بلند شد همین کار را در مورد تعمیر کاران اتومبیل و آرایشگران کردند.

در قسمت سیاست های اقتصادی برنامه دولت به موضوع حمایت از برقراری رقابت سالم و جلوگیری از انحصار در عرضه اقتصاد و افزایش تولیدات ملی و حمایت معقول از صنایع و گسترش تکنولوژی ملی سخنی بمان آمده است که توجه به همه مسائل مانع گرانی و کمبایی کالاها و کم شدن واردات و افزایش صادرات و کم شدن وابستگی ما به کشورهای دیگر و نوسانات بازارهای جهانی است ولی تشریح باینکه واقعاً باین مسائل توجه کنیم و اقتصاد ما از یک اقتصاد مصرفی به یک اقتصاد شکوفان و پیشرفته تبدیل گردد و در کار صنایع و بازرگانی خارجی و صادرات کالا های صنعتی و سنتی ما تحولات اساسی بوجود آید و اگر امروز در انجام این تحولات تعلل نماییم فردا خیلی دیر خواهد بود.

صاحبان صنایع در طول سالها، با حمایت شدید دولت و فداکاری ملت ایران روی پای خود ایستاده اند. صاحبان صنایع با وامهای زیاد و کم بهره دولت از هیچ به همه چیز رسیده اند. دولت با افزایش سود بازرگانی و حقوق گمرکی کالاهای مختلف فی المثل در مورد اتومبیل تا پانصد درصد عملاً جلوی واردات، سدهای محکمی ایجاد کرده تا صنایع کشور رشد کنند و در مقابل تولید کنندگان هم مینماید با استفاده از این حمایت

دولت و مردم روز بروز بر مقدار و کیفیت کالاهای خویش بیفزاید و بی صاحبیت نتواند اینکار را نکرده اند بلکه برعکس بسیاری از صاحبان صنایع نه تنها مقدار و کیفیت کالاهای خود را بالا بردند بلکه با دستکاری در مکنسم بازار آزاد و ایجاد شبه انحصار و کاستن از عرضه برای بوجود آوردن کمبود مصنوعی و امور نادرست دیگر ضرر مصرف کننده عمل کردند. تولید کنندگان و وارد کنندگان خیلی مواقع با یکدیگر سازش میکنند و کالا های خود را اندک اندک وارد بازار مینمایند. قیمت ها بهیچ عنوان تابع محاسبات اقتصادی نبوده بلکه در اکثر موارد بر اساس نفع پرستی ترقی کرده است. کیفیت تولید بجای اینکه هر لحظه افزایش یابد با استفاده از یک نوع بازار داغ و شبه انحصاری پائین آورده شده و کم فروشی بصورت های گوناگون رواج پیدا کرده مثلاً شیشه انواع نوشابه ها مرتباً کوچکتر شده و با بطریهای سرخالی از کارخانه بیرون نیاید و با خمیر دندان با مقدار زیادی هوا تحویل خریداران میشود و یا اتومبیل نو که تحویل میگیریم همان روز اول یک عیب پیدا میکنند و در خیابان میماند جعبه های مقوایی مواد غذایی روز بروز سنگین تر میشود تا با قیمت محتوی آن بفروش رود، محصولات صنعتی پر دوام هر روز از دوام آنها کاسته میگردد. در حالیکه این محصولات اگر قرار باشد از خارج وارد شود خیلی ارزان تر به دست مصرف کننده میرسد ولی دولت بمنظور حمایت از تولید کنندگان داخلی آنها کمک میکند ولی حاصل این کمک ها و فداکاری مردم نمی باید این باشد که جیب یک عده ای پر شود و حتی سودهای کلان بخارج از مملکت انتقال داده شود و مخصوصاً من اعلام خطر میکنم که سرمایه های زیادی از مملکت خارج شده و با در حال خارج شدن است. با کمال تعجب عده ای از این تولید کنندگان و صاحبان صنایع در بیلان های خود ضرر هم نشان میدهند برای اینکه از پرداخت مالیات حقه دولت شانه خالی کنند. ما کشاورزان مملکت را فدای صنعت کرده ایم. کشاورزی مملکت بنظر بعضی از همکاران حرکتش خیلی کند شده ولی من میگویم متوقف شده است. حال اگر قرار باشد وضع صنایع هم چنین باشد تکلیف چیست؟ تا کی میتوانیم که اجازه دهیم نتیجه تلاش یک ملت غایب گروهی از تولید کنندگان صنعتی شود و بخدای نکرده فتودالیم صنعتی جای فتودالیم ارضی را بگیرد. خیلی از صاحبان صنایع سودهای کلان را بجای افزایش مقدار و کیفیت کالاهای صنعتی صرف خرید و

فروش رفتن کرده اند اگر به مواد اولیه و مواد واسطه مورد نیاز صنایع داخلی سود بازرگانی و حقوق گمرکی ناچیزی تعلق میگیرد و با هیچگونه حقوقی تعلق نمیگیرد بدان جهت نیست که صاحب صنعت هر روز ثروت باد آورده بیشتری اندوخته کند و گاه بصورت زنده ای آنها را خرج کند و باصلاح بملتی دهن کجی نماید. این کمک ها و بخشودگیها و تخفیف های مالیاتی و اقدامات دیگر که در جهت گسترش و توسعه صنایع کشور بعمل میاید فقط باین لحاظ است که مردم راحت تر و برتر زندگی کنند و نیاز مملکت هم به کشورهای دیگر کاهش یابد در برنامه دولت از یک حقیقت دردناک سخن به میان آمده است گفته شده که در حال حاضر ارزش واردات کشور از شانزده میلیارد دلار تجاوز میکند و حال آنکه ارزش صادرات غیر نفتی فقط به حدود نیم میلیارد دلار بالغ میگردد. باین ترتیب اتکاء ما فقط به صادرات نفتی است ولی با توجه باینکه ربع قرن آینده منابع نفتی ما پایان مییابد و آنوقت ما میباید متکی به درآمدهای غیر نفتی باشیم لازم است از هم اکنون ب فکر آینده باشیم. در کار صنایع و بازرگانی خارجی ما میزان صادرات کالاهای صنعتی و سنتی ما میباید تحولات اساسی بوجود آید. همین حالا دو رقم عمده صادرات سنتی ما بسته و فرش است. اطلاع دارم که صادرات فرش خیلی تقلیل یافته و از محصول پسته سال گذشته رفسنجان که حدود چهل هزار تن بوده هنوز بیش از ده هزار تن فروش نرفته و در حال خراب شدن است در حالیکه پسته نو به بازار آمده است میباید انحصارهای خصوصی از میان برداشته شود.

یکی دیگر از عوامل گرانی و کمیابی کالاهای وارداتی وجود نمایندگیهای انحصاری است اصولاً در کشور ما طبق قانون تجارت خارجی انحصار تجارت وارداتی و صادراتی در اختیار دولت است. دولت میتواند این حق را با افراد و سازمانهای شرکتهای دیگر واگذار کند اما بهر صورت مقتضیات جامعه انقلابی ما دیگر ایجاب نمیکند که فرد یا شرکت بخصوصی منحصراً واردات یک نوع کالا را در اختیار داشته باشد. و روابط خاصی با شرکت خارجی مادر برقرار کند و طبق دلخواه از آن شرکت فاکتور بگیرد، گاه واردات را بیش از حد افزایش دهد و در زمانی دیگر آنرا بکلی محدود سازد و قیمت ها را بالا ببرد، بنظر من اگر دولت امتیازی برای افراد قائل میشود نمی باید انحصاری باشد و میباید همه افراد بتوانند از آن امتیاز برخوردار گردند. هم اکنون هزاران کالای

وسائل یدکی آنها را عرضه نمی کنند و یا پس از مدتی که وارد کردند دیگر وارد نمی کنند تا آن وسائل از کار بیفتند و مشتریان بار دیگر مجبور شوند وسائل تازه ای از آنها خریداری نمایند و سود تازه ای بجیبشان برود. دولت میباید برای اعمال نظارت مستمر و دقیق داشته باشد و بدون ستفارش دراز مدت وسائل یدکی با قراردادهای معتبر خارجی و بدون ایجاد خدمات لازم اجازه ورود این قبیل کالاها را به کشور ندهد.

من در برنامه دولت به یکی از نیازمندیهای مهم مملکت یعنی ایجاد یک شبکه صحیح و اصولی و منطقی تولید و هم چنین ایجاد یک شبکه توزیع برخوردار نکردم. صنایع ما بدون برنامه صحیح رشد کرده و اینک آن زمان رسیده است که یک شبکه صحیح و اصولی و منطقی تولید در کشور بوجود آید و دولت در این راه وظیفه سنگینی را بعهده دارد یعنی دولت وظیفه دارد سیاست تولید را تنظیم و کاربردهای تکنولوژی و مدیریت را در صنایع ارزیابی و پیاده کند. دولت و سازمانهای مسئول میباید نیازهای کشور را بزرگ تر آورده های مورد نیاز عموم بطور دقیق برآورد کند و برپایی بدهد که کالاهای بطور مستمر و با اندازه کافی و بدون دخالت دست های اضافی با قیمت عادلانه به مصرف کننده فروخته شود.

همینطور ما در مملکت یک شبکه توزیع صحیح و اصولی و منطقی در کشور نداریم. در سالهای اخیر نسبت تولید و مصرف بویژه در زمینه مواد خوراکی بطرز فاحشی نوسان پیدا کرده و ارقام مصرف بطور تصاعدی بالا رفته است و با وجود لغو محدودیت های گمرکی توسط دولت و ورود کالاهای مصرفی و مواد خوراکی و حتی تعهد هزینه قسمتی از این کالاها توسط دولت باز خیلی مواقع دشواریهای ناشی از کمبود احساس میشود. بارها شنیدیم که اعلام شده هزاران تن پیاز و یاسیب زمینی و غیره از بین رفته است. مشکل تنها این نیست که حجم تولیدات متناسبی با رشد مصرف ندارد گرفتاری بزرگ ترین است که نمی توانیم از ظرفیت تولیدی خودمان بنحو مطلوب بهره گیری کنیم. آنچه را که قادریم بکاریم میباید بموقع برداشت کنیم، بموقع بسته بندی کنیم، بموقع حمل کنیم بموقع به سردخانه بفرستیم بموقع از سردخانه تحویل بگیریم و بموقع عرضه و توزیع کنیم و بین هزینه های تولید و قیمت فروش تعادل منطقی بوجود بیاوریم و برای

وارداتی از قبیل وسائل یدکی اتومبیل، کامیون، دارو، لوازم منزل بصورت انحصاری وارد کشور میشود. کارخانه ها و شرکتهای خارجی طرف اینگونه افراد و شرکت ها نیز هرگونه سند و با فاکتوری که خریدار تقاضا کند در اختیارش قرار میدهند زیرا آن خارجی میدانند که این اسناد در کشور خودش مورد عمل کرد قرار نمیگیرد بلکه در کشور خریدار یعنی در بازار صادراتی مورد استناد قرار میگیرد. دولتهای کشورهای تولید کننده این فرآورده ها نیز چون فقط به توسعه صادرات خود فکر می کنند مانع صدور اینگونه اسناد و فاکتورها نمی شوند. گواهی نمایندگان دولت شاهنشاهی در خارج نیز مطلقاً جنبه گواهی صحت امضاء دارد و وارد رسیدگی ما نمیشود و تصدیق صحت فاکتور و سند نمیشود. نتیجتاً وارد کنندگان کالای انحصاری هر کالائی را که بخواهد وارد میکنند و هر وقت نخواهد کالا وارد کند کمی تولید در کشور سازنده را بیهانه قرار میدهد و هر وقت سندی در بازار قیمت از او بخواهند بهر شکلی که مایل باشد ارائه میدهند حتی اگر به محمولات موجود در گمرکات کشور و مدت توقف آنها توجه کنیم می بینم اکثر اوقات کالاهائی که جنبه انحصاری دارد بیشتر از حد مقرر در گمرکات میمانند. بهر حال صحنه گذاشتن بر اینگونه انحصارهای خصوصی وارداتی از مقتضیات جامعه انقلابی کشور به دور است و لازم است دولت اینگونه نمایندگیهای انحصاری را لغو کند و در هر مورد که حقیقتاً واردات یک کالا بصورت انحصاری ضروری تشخیص داده شود اینگونه انحصارات فقط در اختیار دولت قرار گیرد میباید به بازرگانی خارجی هم سرو صورتی بدهیم، بازرگانی خارجی ما هم دچار هرج و مرج و خود سری و سندساز و نرخ گذاری غیر مجاز و هرج و مرج در کار بندرها و گمرکها است چون اصولاً بازرگانی خارجی زیر نظر دولت است دولت همین میکند چه کالاهائی به چه میزان و چه مقدار به کشور وارد و یا از کشور خارج شود. ضوابط گشایش اعتبارهای وارداتی و صادراتی را هم دولت معین میکند.

ما میباید جامعه بازرگانی را تابع انضباط اجتماعی و اخلاقی سازیم و پروانه بازرگانی کسانی که رعایت این انضباط زمانی کنند لغو بکنیم، ما میباید پروانه بازرگانی فاکتور سازان و حساب سازان را لغو بکنیم و بانتهائی پروانه بدهیم که رعایت قانون و مقررات و اخلاق را میکنند مثلاً بازرگانائی بخجال، اتومبیل، دوربین، ریش تراش برقی و غیره را وارد میکنند و میفروشند ولی

روسامان دادن باین کارها احتیاج به یک شبکه مجهز توزیع داریم.

اتحادیه‌های صنفی و اطاق اصناف میباید هرچه زودتر یک شبکه توزیع کالا بشکل اساسی و اصولی و سازگار با تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور ایجاد کنند. البته ابتکار با مشارکت دولت و بخش خصوصی هم مقدور است.

در قسمت سیاست‌های اقتصادی-برنامه دولت در باره تعدیل آهنگ مهاجرت از روستا به شهر سخن بیان آمده. سالیانست که مسؤلان مملکت از این موضوع سخن میگویند ولی عملاً هیچگونه اقدام انسانی و عملی متکی بر یک برنامه‌ریزی حساب شده انجام نشده است و سرعت آهنگ مهاجرت از روستا به شهر و سرعت آهنگ شهرنشینی بطور روز افزون ادامه دارد.

شهرنشینی در سال ۱۳۳۵ شمسی به ۳۱ درصد و در سال ۱۳۴۵ شمسی ویا ۲۵۲۵ شاهنشاهی به ۳۹ درصد رسیده و اینک میزان شهرنشینی در کل جمعیت ایران به مرز ۴۹ درصد رسیده است و شواهد حاکی از آنست که این آهنگ رشد در سالهای آینده نیز حفظ خواهد شد در تهران ۴/۵ میلیون نفری که رشد جمعیت ۴/۲ درصد است، ۲۰ درصد رشد طبیعی ۲/۲ درصد رشد مهاجرتی است. مهاجرت بخودی خود پدیده‌ای منفی نیست. و بعکس میتواند سازنده هم باشد ولی مهاجرت سازنده مهاجرتی است، سازمان یافته و با خط مشی منطقی و حساب شده که بر مبنای نیازهای جامعه انجام گیرد نه اینکه مهاجرتی بی‌رویه و نگران کننده. برابر حسابهای دقیقی که جمعیت شناسان کرده‌اند اگر سیل مهاجران به پایتخت ادامه یابد جمعیت تهران ده سال دیگر به ۷ میلیون تن خواهد رسید. تهران شهری که در سال ۱۳۳۳ شمسی یعنی ۵۳ سال قبل ۱۴۷۰۰۰ جمعیت و ۵ کیلومتر مربع وسعت داشت در حال حاضر طبق سرشماری اخیر مرکز آمار ایران ۴/۴۹۶/۱۵۹ نفر جمعیت دارد و وسعت آنهم در حدود ۶۰۰ کیلومتر مربع است.

کوچ بی‌بند و بار روستائیان به شهرها ناراحتی‌ها و اشکالات فراوانی بدنبال دارد گسترش غیر منظم و غیر قابل کنترل شهرها، از میان رفتن نیروی انسانی لازم برای کشاورزی و دامپروری در روستاها، پدید آمدن مشکل‌های روز افزون شهری مانند مسکن، ترافیک، آب و برق، آلودگی محیط زیست، مشکلات فرهنگی و تندرستی، ناراحتی‌های عصبی و روانی و سایر مشکلات اجتماعی مانند از میان رفتن یکپارچگی شهری بر اثر

اختلاط دو فرهنگ شهری و روستائی.

برای جلوگیری از کوچ نامعقول روستائیان به شهرها دوره‌حل را میتوانیم پیشنهاد کنیم:

یکی راه‌حل‌های منفی و قهری و دوم راه‌حل‌های مثبت و ارضائی.

در قسمت اول برقراری مقررات و سازمان نظارت بر سکنه شهر و روستا و بازگرداندن الزامی روستائیان شناخته شده فاقد کار مولد در شهرها به روستاها و پراکنده ساختن برخی خدمات و سازمانها در روستاها. در قسمت دوم تأمین رفاه مردم روستاها و ایجاد کارخانه‌های گوناگون صنعتی در مناطق روستائی و نیز خریداری فرآورده‌های دامی و کشاورزی به بهائی بالاتر از جامعه‌های پیشرفته غربی در سده نوزدهم صنایع بزرگ را وادار کردند تا اجزاء کوچکتر فرآورده‌های اصلی خود را در کارگاههای کوچکتری در کنار روستاها ایجاد کنند تا در مجاورت اقامتگاه روستائیان مشاغل ثابتی بوجود آید و نتیجتاً روستائیان جزساعتی که در بعضی فصول به کار کشاورزی میپردازند بقیه ساعات کار روزانه خود را با کاری مستمر و درآمدی ثابت در این کارخانه‌ها مشغول باشند.

بهر حال کم کردن آهنگ مهاجرت روستائیان به شهرها مهمترین و دینه‌ایست که دولت در پیش دارد و امیدواریم برخلاف گذشته تدابیری برای انجام این کار مهم اتخاذ شود در مقدمه برنامه دولت همین به کمبود نیروی انسانی اشاره شده است کمبود نیروی انسانی یکی از مهمترین گرفتاریهای ما در حال حاضر است البته همیشه گفته میشود که تنگنای نیروی انسانی در جامعه ما در میان گروه کارگرساده و متخصص عالی قرار گرفته است یعنی تکمیل و لی حقیقت این است که ما در حال حاضر کارگر ساده هم کم داریم و شما میدانید که یک کارگرساده اگر برای کاری در منزل احتیاج داشته باشیم کمتر از شصت هفتاد تومان نمیگیرد.

چندی قبل وزیر سابق کار اعلام کرد که ما به چهارصد هزار نفر نیروی انسانی ماهر نیاز داریم برای تأمین نیروی انسانی ما چند راه در پیش داریم: یکی راه دراز مدت یعنی سازمانهای آموزشی خودمان را طوری تجهیز کنیم تا در سالهای آینده فرآورده این سازمانها منطبق با نیازهای برنامه‌ای و جاری مملکت باشد.

راه کوتاه مدت یعنی اینکه با تشکیل آموزشگاههای فوق العاده و دوره‌های فشرده هزاران نجار، جوشکار، فزکار، سیم‌کش، تعمیرکار، راننده و غیره تربیت کنیم

دیگر اینکه دولت میباید برای بازگرداندن ایرانیانی که خارج از کشور در رشته‌های مختلف متخصص و متبحر شده‌اند اقدامات اساسی بعمل آورد. تا بحال در این باره خیلی کوتاهی شده. دستگاههای گوناگون دولتی تا بحال آنطور که لازم بوده در این باره گام برنداشته‌اند. دانشجو، یا کارشناس ایرانی در خارج از کشور به نمایندگی‌های ایران مراجعه و تقاضای گرفتن شغل در مؤسسه‌های ایرانی میکند با وجواب درست نمیدهند، او را بدرستی تحویل نمیگیرند اگر هم مکاتبه کند باز هم جواب درستی دریافت نمیدارد نتیجتاً این قبیل هم‌وطنان ماکه در رشته‌های مختلف متخصص شده‌اند بایران بر نمیگردند بهر حال بوروکراسی غلط و نادرست یکی از عوامل فرار نیروی انسانی ماهر است. ما میباید دانشجویانی را که در خارج تحصیل می‌کنند به مبانی فرهنگ ملی ایران آشنا سازیم و آنها را در جریان پیشرفتهای مملکت قرار دهیم آنها را خوب تحویل بگیریم، بآنها جواب درست و منطقی بدهیم تا رغبت خدمت در کشور خودشانرا پیدا کنند.

وقتیکه همه اینکارها را کردیم هرچه کمبود نیروی انسانی داشتیم از خارج وارد کنیم میباید تب وارد کردن نیروی انسانی بیگانه به مملکت فرو به نشینند استفاده از نیروی انسانی بیگانه در مقیاس بسیار وسیع به نظم و پیوستگی جامعه ما لطمه میزند و میباید حتی المقدور از اینکار پرهیزیم.

کشورهای اروپای غربی و مرکزی که بویژه پس از جنگ دوم جهانی نیروی انسانی بیگانه را استخدام کردند امروز دچار عدم تعادل اجتماعی شده‌اند بطوریکه این کشورها برای اخراج عده زیادی کارگران بیگانه که بطور قاچاق از راه آمده‌اند ناتوان مانده‌اند نیروی انسانی خارجی اگر کار بهتر پیدا کرد از مملکت می‌رود و کار ما را مختل می‌گذارد برای اینکه نیروی های انسانی بیگانه برای مملکت مشکلاتی را ایجاد نکنند میباید کوشش کنیم که در نقاط معینی تمرکز پیدا نکنند که بعداً مسئله اقلیت بوجود نیآورند و دیگر اینکه از آنها تعهد بگیریم که پس از پایان مدت خدمت حق ماندن در مملکت ما را نداشته باشند.

نکته مهم در مورد نیروی انسانی که توسط دانشگاهها و مراکز آموزشی خودمان تربیت میشوند این است که بعضی مواقع این نیروهای مورد استفاده قرار نمیگیرند گزارش جانب و محققانه‌ای که آقای دکتر محمد

باهری دبیر کل کنونی حزب رستاخیز ملت ایران در سال ۱۳۳۴ به کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر دادند مؤید این موضوع است بر اساس این گزارش از ۱۳۵۶ نفر فارغ التحصیلان دانشگاهها در سال ۵۲- حدود ۳۸۵ نفر آنها در ششمه اول پس از اتمام تحصیلات کاری بدست نیآورده‌اند و این در شرایطی است که کشور ما با کمبود شدید نیروی انسانی متخصص روبروست در حالیکه میبایست دانشگاههای ما از ابتدا با سازمانهای مسئول امر اشتغال در تماس باشند و آنها را در جریان عرضه تدریجی نیروی انسانی متخصص قرار دهند و یا حتی خودشان بعنوان نتیجه گیری از حمایتی که طی سالیان دراز برای تربیت یک فارغ التحصیل متحمل میشوند یک سازمان فرعی برای مشخص کردن میزان عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص فراهم آورند.

همانطور که عرض کردم صرف نظر از آموزش دانشگاهها ما به آموزش متخصص اجرایی یعنی به افرادی در سطح تکمیل ویا کارگران ساده‌ای که کار خود را خوب بدانند نیاز بیشتری داریم.

ما میباید سیستم آموزش حرفه‌ای را در گروگن کنیم یعنی بجای اینکه در انتظار معلمین دکتر و فوق لیسانس و لیسانس به نشینیم از اشخاصی بعنوان معلم استفاده کنیم که حرفه و فنی را بلد باشند حتی بدون اینکه سواد

داشته باشند و این اشخاص کار خودشانرا عملاً نمایش دهند و یا بزبان خارجی به دموستراسیون بگذارند این اشخاص میتوانند شاگرد لیسانسیه و دکتر هم داشته باشند. چنین سیستمی در بعضی کشورها پیاده شده و نتیجه شگرفی برای غلبه بر کمبود نیروی انسانی بدست آمده است. ما میباید برنامه و آموزش مشابهی را برای تربیت نیروی انسانی ماهر، دور از هرگونه ظاهرسازی و تشریفات و صرفاً بر اساس آنچه که جامعه ما بان احتیاج دارد دنبال کنیم و در اینصورت خواهیم دید که کمبود نیروی انسانی در ظرف مدت کوتاهی برطرف خواهد شد.

مطالب گفتمی بسیار است ولی آخرین مطلبی که من میخواهم درباره آن صحبت کنم راجع به برنامه‌های بهداشتی و بهزیستی است. درباره نارسائی سیاست درمانی کشور و نواقص شبکه‌های بهداشتی و درمانی و نواقص بیمه درمانی انشاء الله در فرصت‌هایی که بعداً پیش خواهد آمد سخن خواهیم گفت ولی درباره دو مطلب که خیلی

مهم است مطالبی را خاطر نشان میکنم. یکی درباره مهندسی بهداشت و سالم سازی محیط است که در برنامه دولت از آن یاد شده ولی متأسفانه اقدامات اساسی در این باره بخصوص در روستاها بعمل نیامده. جناب آقای نخست وزیر که خودشان زمانی رئیس اداره بهداشت و زمانی وزیر بهداشتی بوده اند میدانند که مهندسی بهداشت و سالم سازی محیط چه اندازه در پیشگیری امراض واگیر اهمیت دارد. ضمن عدم توجه بود که سبب شد بیماری شبه وبای التور متأسفانه در مملکت ما بومی شود. الان در بعضی از نقاط مملکت این بیماری خطرناک شیوع دارد. چندسال قبل که این بیماری از کشورهای همسایه به مملکت ما آمد آن را از مردم پنهان کردیم. سیاست اشتراک بکار بردیم. آنقدر مردم را در بی خبری گذاشتیم که بیماری جای خودش را خوب باز کرد و بومی شد که امروز دیگر با مشکلاتی که در خیلی از روستاها از نظر ندانستن آب آشامیدنی سالم و آلودگی محیط داریم ریشه کن کردن آن خیلی مشکل است. حالا دیگر نمی باید این مسائل را در برده اشتراک نگه داریم. حق این بود که مردم را بوق آگاه میکردیم و دستورات بهداشتی لازم را بآنها میدادیم و در عین حال برنامه مهندسی بهداشت و سالم سازی محیط را با شدت اجرا میکردیم.

مطلب دیگر راجع به مبارزه با اعتیاد مواد مخدر است که یکی از مهمترین کارها و وظایف دولت میباشد و در برنامه دولت هم بیان اشاره ای نشده است.

شیوع روز افزون اعتیاد به مواد مخدر سلامت جامعه ما را بخطر انداخته جوانان و نوجوانان ما و خانواده های ایرانی در معرض خطر اعتیاد و نابودی و زوال هستند و باند های بین المللی قاچاق مواد مخدر در کمین آنها نشسته اند اعتیاد یادگار دوران استعمار انگلیسی ها در ایران است. انگلیسی ها تریاک را در ایران رواج دادند تریاک را مجانی یا ارزان در اختیار مردم میگذاشتند و سوخته را گران میخریدند.

امروز دیگر مسئله اعتیاد تریاک ویژه در کشور ما مطرح نیست بلکه انواع اعتیاد به مواد مخدر مانند هروئین، کوکائین، افگامین ها، باری توریکی ها با خواب آورها، ماری جوانا، و حتی اعتیاد به داروهای توهم زا یا ال این دی هم شایع است.

مبارزه با اعتیاد مواد مخدر با یک حرکت لاک پشتی که تا بحال داشته ایم مقدور نیست. مبارزه با اعتیاد مواد مخدر میباید اساسی و منطقی و بایک برنامه ریزی دقیق همراه باشد فقط با نوشتن تیرهای درشت در روزنامه ها

نمیشود با اعتیاد مواد مخدر در مملکت مبارزه نمود. برای مبارزه اساسی با مواد مخدر میباید سه کار صورت گیرد اول جلوگیری از دسترس بودن مواد مخدر. برای رسیدن باین منظور میباید منع مجدد کشت خشخاش از طرف دولت مورد بررسی قرار گیرد و از سوی دیگر با قاچاق مواد مخدر بشدت مبارزه شود. هر شب در روزنامه ها میخوانیم که دهها کیلو تریاک قاچاق و با صدها گرم هروئین و مواد مخدر دیگر کشف شده است معنادین هر مقدار تریاک و یا هروئین را در هر نقطه مملکت که بخواهند باسانی بدست میآورند. در هر محفل و مجلسی منتقل و وافر یافت میشود.

دوم پایه ریزی یک مبارزه ملی و گسترده بوسیله آموزش دادن و آگاه ساختن مردم و خانواده ها از خطرات و مضرات اعتیاد که تا بحال اینکار هم نشده است.

سوم درمان و توانبخشی معنادین در مراکز درمانی و توانبخشی که اینکار هم در مقیاس محدودی عملی میشود مثلاً در شهری ۴/۵ میلیون نفری مانند تهران که هزاران معتاد به انواع مواد مخدر وجود دارد فقط ۱۰۰ تخت برای درمان معنادین داریم توان بخشی معنادین یعنی بازسازی آنها با تحقیق و بررسی درباره علل اعتیاد توسط روان پزشکان و مددکاران اجتماعی هم در حکم صفر است اخیراً درمان سرپائی معنادین بوسیله متادون در درمانگاهها آغاز شده که کار خطرناکی است چون معنادین صرف نظر از اینکه ترک نمی کنند به متادون هم معتاد میشوند و بهر حال دولت میباید برای حفظ و حراست جامعه از گردن اعتیاد حتی یک لحظه فرصت را از دست ندهد و اینکار بزرگ را مقدم بر هر کار دیگر بدانند

جناب آقای آموزگار، درخاتمه عرایض خود من بحکم تماس نزدیکی که از سالها قبل با شما داشته ام چه در رأس هیأت اجرائی حزب رستاخیز ملت ایران و چه در مقام دبیر کلی این حزب چه قبل از آن شمارا شخصیتی تیز هوش، سریع الانتقال و مصمم و بر توان میشناسم و برتر از این خصوصیات شما مورد اعتماد کامل شاهنشاه بزرگ ایران هستید. شاهنشاهی که بهتر از هر کس تشخیص میدهد و پیش از هر کس برای این مملکت دلسوزی میکند و زحمت میکشد و همیشه جلوتر از حوادث گام برمیدارد من بحکم شناختی که از شما دارم این جمله را که در مقدمه برنامه دولت بیان کرده اید «کار و کوشش بیشتر با کارائی بالاتر توأم با صداقت و صراحت در اجرای اصول انقلاب شاه و ملت» مظهر کامل دولت شما میشناسم و امیدوارم با این شعار در مقام نخست وزیر ایران بتوانید

به نیات مقدس رهبر مملکت تحقق به بخشید و در پیش برد هدفهای انقلاب و رستاخیز پیروز باشید (احسنت)

رئیس - آقای دکتر فروزین بفرمائید.

دکتر فروزین - جناب آقای رئیس، همکاران محترم در برنامه دولت جناب آقای دکتر آموزگار سخنرانان بسیاری بحق سخنانی گفتند که از آتش سوزان عشق آنها به تربت مقدس وطن و شاهنشاه آریامهر و ملت عزیز ایران سرچشمه گرفته بود. آنچه گفتید همه برای سعادت و بهروزی ملت ایران بود تمام آن مطالب برای آن بود که ایران روز بروز نیز سعادتمندتر و ایرانی سعادتمندتر و خوشبختتر باشد بنظر من در هیچ دوره ای از شروطیت ایران به این تعداد نماینده مجلس در برنامه دولت سخن نگفته باشد.

در برنامه دولت نکات روشن و مثبت فراوانی وجود داشت که برای بحث پیرامون هر یک از آنها ساعت ها وقت لازم است همانطوریکه گفتم سخنرانان قبلی بحق از عهده بیان مطلب برآمدند و نکته های فراوانی را گوشزد کردند

آنچه من امروز در اینجا بیان خواهم کرد اهمیت خاصی دارد. من معتقدم که اگر دولت میلیاردها دلار در مملکت در رشته های صنعت و اقتصاد و کشاورزی سرمایه گذاری کند اگر به این مسئله خاص که مورد بحث من است نپردازد تمام سرمایه ها بهدر خواهد رفت و برعکس اگر در راهی که در پیش دارد فقط سرمایه محدودی وارد بازار کار و فعالیت های صنعتی و کشاورزی و خدمات کند و نکته مورد بحث مرا نیز با آن بیامیزد مملکت در شمار قوی ترین و خوشبخت ترین و موفق ترین کشورها خواهد بود.

من بارها از خود پرسیده ام سرمایه یک کشور در چیست در معادن نفت است؟ نه، چه معادن نفت خواه و ناخواه روزی تمام میشود. در معادن گاز است؟ نه، چه آنها هم پایان پذیر است. در معادن مس است؟ نه، چه مس هم پایانی و دورانی دارد. پس بزرگترین سرمایه ملی یک کشور چیست؟ کدام سرمایه است که هر چه مورد استفاده قرار گیرد شکوفا تر درخشنده تر میشود. هر چه بکار رود نیکوتر متبلور تر میشود. نه پایانی دارد نه زوالی و روز به روز بر میزان آن افزوده میگردد.

این سرمایه عظیم ملی انسانهای یک مملکت هستند (احسنت). گفتم انسانها و نگفتم آدم ها چه بین انسان و آدم فرق بسیار است. در میان موجودات خداوند یکی هم آدم است ولی هر آدمی انسان نیست. دولت باید

برای آنکه شاهد پیروزی را بطور قطع بدست آورد باید کارخانه های انسان سازی فراوانی در مملکت براه اندازد و مطمئن باشد که هر چه محصولات این کارخانه ها بیشتر و زیادتر وارد بازار شود مملکت موفق تر و پیروز مندتر خواهد بود. البته اکثریت مردم مملکت با بشهادت

تاریخ نمونه ای از اخلاق و درستی هستند ولی روی سخن من به اقلیت مورد نظر است جناب آقای دکتر آموزگار، روزگاری بود که وقتی در مملکت بین دو نفر معامله میشد فروشنده پوئی از سیل خود را میکند و بخریدار میداد و این موی سیل از هزار سند محضری و چک و سفته و قبض رسمی ارزنده تر و محکم تر بود ولی حالا یک مراجعه به شعب وزارت دادگستری نشان میدهد که بسیاری از چک و سفته هائی که فروشنده به خریدار میدهد، دولت بدویت میدهد. برادر به برادر میدهد بر میگردد

و واخواست میشود. مقصودم آن است که نیروی وجدان و قدرت اخلاق با پیشرفت مظاهر تمدن غرب در ایران عزیز ما بتدریج ضعیف شده و باید راهی اندیشید و کاری کرد که آتش فروزان وجدان را که در هریرانی وجود دارد فروزان تر کرد. آنوقت خواهید دید که دیگر یک کاسب بهنگام فروش جنس کم نمیدهد، گران نمیدهد، یک کارمند در ساعات و وقت اداری که از دولت حقوق میگیرد دوباید در خدمت مردم باشد جدول حل نمیکند. یک کارگر که باید تمام قدرت خود را و نیروی فعاله خویش را در اصالت مخصوص که میسازد بکار بندد بنحوی کار نمیکند که دستگیره درب اتومبیل در همان روز اول خرید از جا کنده شده و یا رل اتومبیل سواری جدا از بدنه ماشین در کف راننده باقی بماند و ماشین برای خود برود.

یک کشاورز بهنگام کار در مزرعه از تمام نیرو و توان خویش استفاده کند و فراموش نکند که ملتی از حاصل دسترنج او استفاده میکنند.

امروز وجدان کار با کمال تأسف در گروهی از مردم کم رنگ شده و این گروه در حالیکه تمام مزایا و خدمات رفاهی و کمکی را که افراد فعال و کوشا دریافت میکنند طلب میکنند یک دهم آنها کار نمیکنند عمده ای که در وسط جاده کار میکنند تا صدای اتومبیل را میشوند یک بیل شن وسط چاله ای میریزد و بعد به استراحت میپردازد (قربانی نسب - دکترها را هم بفرمائید که اگر ساعات در روز کار کنند وضع درمان ما خیلی بهتر میشود) آنچه من میگویم تمام مردم مملکت را شامل میشود هر کس باین آب و خاک عشق میورزد و هر کس ایرانی است و ایرانی

زاده شود و در ایران زندگی میکند باید در این مملکت فداکاری کند و باید جانفشانی کند و اینقدر کار کند که جان بدهد و این جان دادن بخدا پیوستن است (احسن) باید کاری کرد که وجدان کار در تمام مردم با نهایت قدرت بیدار شود در مملکت ما یازده میلیون نیروی فعاله وجود دارد ۳ میلیون نفر در صنایع - ۳/۵ میلیون نفر در کشاورزی و ۳ میلیون نفر در خدمات آب و برق و گاز. اگر هر یک از این یازده میلیون نفر یک ساعت بیشتر در روز کار کند یازده میلیون ساعت در روز ۳۳۰ میلیون ساعت کار در ماه ... ۴ میلیارد ساعت در سال کار بیشتر انجام شده است و باین مقدار زمان چه ما که نمیشود کرد؟ بهرحال با افزایش وجدان کار در عموم مردم و اینکه هر کس کاری را که میکند وظیفه ملی و میهنی خود بداند باعث میشود که سرمایه‌گذاری‌های وسیع دولت ثمری بسیار نیکو و ارزنده‌تر ببار آورد. اگر وجدان کاری در میان نباشد اگر تمام ثروت دنیا را در مملکت بریزید همه به هدر میرود و بآن استفاده‌ای را که باید بدهد نمیدهد.

در همین جا باید به نکته دیگری اشاره کنم و آن فروختن مشعل نیروی اخلاقی در نهاد مردم است. اگر ملتی دارای اخلاق اجتماعی و صفات انسانی نباشد امکان ندارد بتواند راه ترقی و کمال را به پیمایدویا اگر بخواهد طی کند باید با سختی و رنج بیشتری این کار را انجام دهد. پای بند بودن به مبانی اخلاقی باعث قوام و دوام مملکت میشود و هر چه سرمایه‌های ملی یک مملکت چون نفت، گاز، مس، ذغال سنگ و امثال آن در درون مملکتی بیشتر باشد باید مردم آن مملکت بیشتر پای بند به اصول اخلاقی باشند و الا چنان سرمایه عظیمی را نمیشود توسط کسانی که نوزعیفی از اخلاق و بکاره انسانی بر قلبشان تائیده حفظ کرد. اگر نیروی اخلاقی در مردم تقویت شود آن سازنده آب لیموی نقلی که در آب گاه و جوهر لیمو و پوست لیمو را مخلوط میکنند و هر روز هزاران بطری آب لیموی نقلی و مواد غذائی قلابی دیگری میسازد دست از این کار باز میدارد. آن بساز و بفروشی که مقدار کمی سیمان را با انبوهی از ماسه مخلوط میکنند و به آینده ساکنین آپارتمانی که میسازد میانمیشد این عمل را متوقف میسازد. آن سرویس کاری که در هنگام سرویس اتومبیلی در آن روغن سوخته صاف شده می‌ریزد دست از قلب باز میدارد. آن کس که چک بدون محل به فروشنده ای میدهد دیگر آن کار را نمیکند. اسفالت

کاری که جاده‌ای را اسفالت میکند و در همان سال از وسط آن اسفالت گندم سبز میشود، بدنبال این کار نمی‌رود. پیمان کاری که برنده انجام کاری میشود و همان سال اول پایان کار سفشش چکه میکند و دیوارش ترک بر میدارد و وسائل کارخانه‌اش از کار باز میماند دست از این کار میکشد و پیراننده‌ای که بخاطر آنکه اتومبیل خود را زودتر به مقصد برساند کج و معوج در خیابانها حرکت میکند. ویراژ میدهد. از محل عبور ممنوع عبور میکند و چراغ قرمز را پشت سر می‌نهد این کار ناشایست را ترک میکند و بسیاری از مشکلات ترافیک سرسام آور تهران تنها با پای بند شدن بسیاری از مردم به اصول اخلاق اجتماعی خود بخود حل میشود. (آفرین)

آنچه مسلم است در این میان هر کس مقامش بالاتر و بالاتر است باید بیشتر به اصول و مبانی اخلاقی پای بند باشد چه در غیر انصورت چنین فردی هم کار مهمی را که باو واگذار شده ناصحیح انجام میدهد و هم چون سرمشق مردم است آنانرا به بی تقوایی و بی اعتقادی تشویق میکند. شما اگر تمام مردم را به سلاح اخلاق مجهز نکنید امکان ندارد در انجام کارها موفق شوید. مگر میشود تمام مردم را که مسئولیتی دارند شب و روز در آنکار و پنهان کنترل کرد. آنکس که به نیروی اخلاقی آراسته نیست و ایمان ندارد. از کوچکترین فرصتی که بدست می‌آورد علیه منافع مردم گام بر میدارد و تقلب میکند. بهمین مناسبت هم شاهنشاه آریامهر فرموده‌اند برای من یک وزیر و یک نجار با هم برابر است و آنکس که بیشتر پای بند بر اصول اخلاقی است بالاتر و عزیزتر است.

مگر نه آنکه در قرآن کریم آمده ان اکرمکم عندالله اتقى کم یعنی (بند خداوند جان و خرد - هراکس که پاک است برتر بود). باید بجای بازرسی وزارتخانه‌ها، شرکت های دولتی، اداره بازرسی نخست وزیری و امثال آن یک اداره بازرسی اخلاقی در درون دل افراد تأسیس کنید تا به بیند این بازرسان بی جبر و مواجب چنان روز و شب در خواب و بیداری، درگاه و بیگاه به انجام وظیفه بشغولند و نمیگذارند هیچکس از راه راست منحرف شود دولت تنها با ایجاد چنین سیستم کنترل درونی در نهاد یکایک افراد این مملکت و تکوین یک «رستاخیز اخلاقی» در میان تمام مردم، تمام طبقات، تمام صاحبان مشاغل و تمام گروه‌ها میتواند راه بسیار سریعی را برای رسیدن به ترقی و کمال پیشاپیش مردم بگشاید.

اقصوام روزگار به اخلاق زننده‌اند

قومی که گشت فاقد اخلاق زنده نیست

جناب آقای دکتر آموزگار، اگر دولت در این راه قدم سریعی بردارد و یک طرح ضربتی پیاده کند بسیاری از مشکلات موجود خود بخود حل میشود و آفتی تازه نمودار خواهد شد با قانون امکان ندارد بتوان تمام افراد ملتی را به رعایت تمام نکات اخلاقی و انسانی وادار کرد در حالیکه با روشن کردن آتشی اخلاق در دل افراد میتوان براحتی آنان را به پاک بودن، درست بودن، سالم بودن، صحیح العمل بودن واداشت برای رسیدن باین هدف دولت باید در برنامه کتاب‌های مدارس تجدیدنظر کند و دانش‌آموزان را از بدو طفولیت به رعایت اصول اخلاقی و اقدام بوجدان‌کار تشویق نماید. به آنها درس زندگی یاد بدهد. یاد بدهد چگونه از عرض خیابان عبور کنند. چگونه اگر روزی اتومبیل داشتید رانندگی نمائید.

باید موضوعات خاصی برای انشاء دانش‌آموزان انتخاب نماید. باید دانش‌آموزانی را که زیور اخلاق آراسته‌ترند بیشتر ارج نهند و یکی از موازین انتخاب دانشجو برای تحصیل در مدارس عالی مسئله اخلاق و وجدان‌کار نیز باشد دولت با استفاده از رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها باید مردم را بر رعایت موازین اخلاقی تشویق و ترغیب کند.

در انتخاب افراد برای تصدی سمت‌های مهم مهمترین اصل ایمان به وجدان کار و نیروی اخلاقی باشد هر چه مسئولیت‌مقامی بیشتر باشد باید عشق و ایمان او به مبانی اخلاقی و صحت عمل بیشتر باشد چه مردم همیشه بتوجه‌کردار اعمال آنها هستند و باید اینان سرمشق اجتماع قرار گیرند امیدوارم که با مطالبی که عرض کردم دولت بتواند با قدرت تمام جلوی کم کاری ضعف وجدان کار و کم رنگی مبانی اخلاقی را در آنها نیکه‌به این بیماری خطرناک دچارند بگیرد.

برای دولت در رسیدن به این پیروزی موفقیت و

سرافرازی آرزو میکنم. (احسن)

رئیس - آقای ظفری بفرمائید.

ظفری - مقام محترم ریاست، نمایندگان ارجمند، سوم شهریور استه نفرت و انزجار ملت ایران را چون تگرگ بر روی دشمنان مهاجم ایران زمین می‌باشم و به روان شاد رضا شاه کبیر و روح بزرگ همه شهدای سوم شهریور درود می‌فرستم (احسن) برنامه دولت مطرح است غالب همکاران ارجمند با دیدی نسبت به

آینده برنامه را مورد بررسی قرار دادند و من میخواهم تا این نکته را بررسی کنم یعنی نیت پاکیزه‌ای که بجامه زیبای کلام درآمده و امیداست که عمل زینده‌ای در پی داشته باشد (نمایندگان - انشاءالله) این اندیشه، اندیشه بزرگان اندیشه‌مند بزرگان ایرانی زرتشت استندگان است اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک و من بازبان خود چنین تشویق کردم آب پنهان اگر هم دریا باشد کسی را نترساند نیکدلی بدان ماند، چون پوشش کنار رود، آب شفا بخش پدید آید در دسترس دست و پاداران نیک زبانی بدان ماند برای گوشه‌های شنوا، جویباری ماند تا آب - سرکه را به پای درختان برساند و گلزاری زیبا پدید آورد جویبارها را در خدمت انسان بگذارد و مرغزاری خرم از انسانیت پدید آوزید (احسن) و من دولت را در دو مرحله نخستین اندیشه و گفتار نیک تأیید میکنم و از خدای بزرگ ایران برای پیروزی این برنامه همه جانبه ملی طلب موفقیت مینمایم (احسن) بدیهی است با چنین برنامه بزرگی جناب آقای آموزگار، نمیتوان از شخص شما و دولت شما پنهان گذاشت برنامه‌ای را که یک ملت انجام دهد به عظمت یک ملت است و برنامه شما به عظمت ملت و به نیروی همگان نیاز دارد و هنر شما بعنوان رئیس دولت است که همه دنیا و مغربها و دستهای مردم ایران را در راه اجرای چنین برنامه همه جانبه‌ای بسیج کنید (احسن). برای بسیج همه نیروها احتیاج به ایمان و اعتقاد است و من خوشوقتم که در بررسی برنامه دولت شما سخن بسیار از فضیلت بیان آمد و زینبای اصلی معنوی پیش برد کارها در این جامه‌گرشد و من میدانم که هرگز جامعه ما هیچ جامعه‌ای در جهان بدون این زینبای معنوی قادر نخواهد بود گامی بجلو بردارد (صحیح است). و من امیدوارم که شما بعنوان کسی که در سالهای اخیر در دستگاه اجرایی ایران، سخن فضیلت بزبان رانده است در اثبات فضیلت خویش و در دعوت مردم به فضیلت و اخلاق و استحکام زینبای پیشرفت ایران توفیق پیدا کنید. من از جایگاهی بلند سخن میگویم، جایگاه نمایندگان مردم ایران، و بخوبی ارج جایگاه خود را می‌شناسم (آفرین) سخنی که میگویم سخنی است که شخصی بعنوان یاخته‌ای از پیکر ملت خویش میگوید و همه وجودم را مستحیل در چنین پیکر لایزال جاودانه‌ای احساس میکنم بدیهی است هر وقت هدف واحدی برای یک جامعه معلوم شده باشد و همه افراد آن جامعه خود را در یک سرنوشت واحد احساس بکنند

آنوقت همه نیروها در مسیر آن هدف واحد ب حرکت درمی آید و کوهها را از سر راه برمیدارد اشعه لیزری می شود که میتواند دل سنگهای سخت را بشکافد و می بایستی مردم ایران، جامعه ایرانی، یک بار دیگر در برابر هدفها و رسالتهای واحد و ارزنده خودش قرار بگیرد و ارزش هدفهای بلندش را در باید آنوقت نیروی ما برای از میان برداشتن همه موانع کافی خواهد بود. یک جامعه به قانون نیاز دارد و جوامعی که بوجود آمدند قانون هم با آنها بوجود آمده جامعه بدون قانون تک تک افرادی است سرگردان و سردرگریان پس باید حرمت قانون را نگه داشت. فرمان قانون را حتی در لحظاتی احساس کنیم که موانعی در راه ما ایجاد می کند بلاشک و تردید گردن نهیم. بایستی خودمان را در زمان دور دست قرار دهیم و ارزیابی کنیم آنچه که در یک لحظه و در یک نقطه و برای یکی که ممکن است اشکال ایجاد کند در لحظه دور دست زمان بنگ او و بنگ جامعه و سر نشینان یک کشتی و یک هواپیما است همه با هم باید پیش برویم اینجا نقطه حرکت است اگر تاکید می کنیم، نقطه حرکت اینجا است، احساس یکدلی و پیوند میان همه ایرانیان، میان تاریخ دور دست، و رسالتهای آینده و نقش دولت در این میان، سرمشق قابل پیروی بساید باشد، احترام قانون را مردم از کار گزاران دولت توقع دارند در هر شهر کوچک و روستای دور افتاده کوچک، هر جا که یک نفر از کار گزاران دولت باشد و مردم ببینند که این شخص با احترام کاملی نسبت به قانون عمل می کند آنوقت آنها هم یاد میگیرند که به قانون احترام بگذارند و این راز و رمز زندگی جاودان مات خود را دریابند و به کار ببرند، سخنی در باب احترام ب مردم داریم. مردم ایران باید همگی احساس شخصیت بکنند (احسن است). این بزرگترین جرم است که من از جایگاه خودم دیگران را حقیرتر و کوچکتر بدانم من عضو این جامعه هستم اگر جامعه ای که من کوچکترین عضو آن هستم کوچک و ناتوان است، من نیز کوچک و ناتوان هستم احترام ب مردم یکی از زمینه های احترام به همه مشاغل است که گه گاه می شنویم که از استاد ارجمند تا کارگر ارجمند یا فلان کسی آ که صحبت می کند، هر شغلی که در این مملکت لازم است و هر کاری باید انجام شود، انجام دهنده آن محترم است. (احسن است) جامعه ما قاجاری نمیخواهد و باید او را از جامعه طرد کرد ولی هر شغلی که لازم است و باید باشد محترم است و شخصی که کار خودش

را درست انجام میدهد شخص محترمی است یک وزیر بد خیلی بدتر است از یک قوهی خوب و این را باید جامعه ما دریابد و آنوقت ما بآن اظهار نظرهای جوانها و بزرگترها روبرو نشویم که میگویند من می خواهم بدانشگاه بروم تا بمملکت خدمت کنم مگر چو پان به مملکت خدمت نمی کند؟ مگر یک کارگر و کشاورز به این مملکت خدمت نمی کند؟ آنوقت دیگر می بینیم که کسانی اصرار داشته باشند حتماً بدانشگاه بروند و در پایان با گرفتن دانشنامه حتی یک قدم بنگ این مملکت برندارند (احسن است) تاکید روی اکثریت جامعه ندارم. هستند افرادی که با گرفتن یک مدرک تخصصی فکر می کنند در موقعیت ممتاز قرار دارند ولی می بایست در این موقعیت خدمت ممتاز ارائه بدهند من خودم کار کردم ولی عدم مدیریت در سازمانی که من کار می کردم تا بدانجا بود که شرافتمندانه خود من که شاید روزی ۳۰۰۰۰ تومان از بودجه این مملکت پول گرفتم حاضر نبودم ثمره کار خودم را در آخر روز سه ریال و ده شاهی بخزم، این رنج بزرگی است برای من و آن کسی که آرزو دارد در این مملکت خدمت گزار باشد، این است راز آن توری که ما در خارج دنبالش می گردیم و باید در داخل مملکت دنبالش بگردیم دوست عزیزم آقای دکتر فروزین به این مسئله اشاره فرمودند. بدیهی است که در خارج تورم هست و همراه آن کالاها هم بایران می آید ولی یک چیز را بدانید ما کالاها را که از خارج میاوریم با ثمره کار این مردم معاوضه نمی کنیم گزارش دولت مؤید این نظر است واردات ۱۶ میلیارد دلاری ما در برابر صادرات نیم میلیارد دلاری مؤید این نظر است پس ما برداشت سرمایه می کنیم در واقع این تورم در خارج وجود دارد و بایران هم می آید ولی وقتی در اقتصاد دیروز ایران در کار من و شما می تواند اثر بگذارد که ما آنرا با پولی که پس انداز ما بود تأمین می کردیم ولی ما چنین نمی کنیم در هر حال تورم را می بایستی در ایران دنبال کنیم و در ایران بگوییم در کم کاری و فساد دنبالش بگردیم در عدم مدیریت دنبالش بگردیم که من علاقمند بکار، غروب آفتاب از ثمره کار خودم ناراضی بخانه برنگردیم. راز تورم مادر همین هست البته بخشهای دیگری هم در این کار سهم هستند شاید برنامه ریزیهای غیر عادلانه مایکی از دلایل اصلی چنین توری در ایران باشد یعنی ما مردم بسیاری را از خانه و خانواده خودشان خارج می کنیم تا در یک نقطه سرمایه گذاری مجتمع بکنیم و آنوقت اینها با اولین

چیزی که مواجه میشوند مسئله مسکن است آنها در محل خودشان مسکن دارند اگر در همانجا کار بود ما با کمبود خانه روبرو نمی شدیم می بایستی خیلی از کالاها حمل شود و بیاید بمحل او تا بتواند آنرا بخرد و بخورد و زندگی کند ما برای اینکه یک سرمایه گذاری در یک جا بکنیم باید ابزارهای غیر لازم بسازیم برای یک سرمایه گذاری لازم باید دهها سرمایه گذاری غیر لازم بکنیم اینها توره را بجامعه ما تحمیل کرده است البته در این مورد سخن بسیار می توان گفت و افکار زیادی در مغز من می چرخد و فرصتی هم ندارم و ناچارم خودم هم برنامه ریزی کنم چون من هم گرفتارم در تنگنای زمان. بهر حال آنچه که در زمینه قانون و در زمینه زیر بنای اخلاقی گفتم و رعایت این موازین واقعاً حائز کمال اهمیت است.

هر که گریزد ز خرابیات شهر

بارکش غول بیابان شود

ما می بایستی همه در مسیر قانون و شناخت و آگاهی

نسبت برسالتهایمان قدم های بلند برداریم و باهای استوار داشته باشیم بنظر من یکی از وظایف اصلی دولت آموزش عمومی در مسیر پرورش ملی در همه زمینه ها است می بایستی حس برادری و خواهری در مملکت ما بیدار شود بدیهی است قوانین ایران می بایستی در مسیر این آموزش قرار بگیرد یعنی مردم احساس عدالت را در کلیه قوانین و برنامه ریزیهای دولت مشاهده کنند می بایستی ایمان بیاورند و اعتقاد داشته باشند، آنوقت از نیروی یک زن و یک مرد ایرانی می شود کارهای بسیار بزرگی در این مملکت انجام داد آن کسانی که توجه زیادی بر هماهنگی و وضع ظاهرشان دارند که رنگ لباسشان و اتومبیلشان سببهای دفتر و خانه شان باهم تطبیق پیدا کند بآنها باید بیاموزیم که در درجه اول هماهنگی در مظاهر ملی باید وجود داشته باشد می بایستی وقتی من بیک ایرانی ساکن روستا می گویم برادر هموطن، احساس نکند که من بیخواهم سرش شیره بمالم و یا اینکه من آدم محترمی هستم که باو تعارف می کنم باید احساس کند که واقعاً برادر من است، همتای من است و قانون با من و او یک جور رفتار می کند (احسن است) در اینجا است که مسئله انسان و ارزش انسان مطرح است چون در اینجا پول مثل یک غول در مقابل انسان می ایستد و مانند اهرمی انسانها را از جایگاه اصلی خود فرومی کشد، ترازویی را در نظر بگیرید که در یک کفه آن پولی گذارده شود و در

کفه دیگرش انسان نشسته باشد هر قدر کفه پول را سنگین تر کنید انسان را سبک کرده اید در حالی که پول ساخته دست و مغز و دل انسانها است باید سازنده و آفریننده را ارج بگذاریم و خلاق را در همه دورانها قدر بشناسیم بهرحال راه بستن برافسردن و چپاولگران یکی از اقدامات اساسی است که می بایستی دولت انجام دهد ایران زمین گردنه نیست که جمعی چپاولگر در سر راه گردنه های آن بنشینند بارشان را ببندند و چون گردنه جای ماندن و نشستن نیست زاهی دیار دیگر و مناطق ایده آل بشوند (احسن است) ایران زمین پرستشگاه، ماست می بایستی قدر این معبد تاریخ ایران را بشناسیم من در مورد عدالت سخن گفتم این عدالت را باید تقسیم کرد غیر از آموزشهایی که عملاً از آن سخن گفته شد باید بپول و سرمایه و بودجه، این عدالت را در صحنه ایران زمین بگسترانید باید هر روستایی احساس کند که او هم در مدنظر برنامه گذار هست (آفرین) آنوقت فکر کند که آیا ممکن است برادر هموطن من در گوشه ای از این کشور نه از امکانات آموزشی برخوردار باشد نه از آب خوردن و نه از راه و سایر امکانات رفاهی و من در تهران، در مرکز، بنشینم و توقع داشته باشم که در کنار تخت خوابم تلفنی باشد که من بتوانم با اروپا و هر نقطه دنیا صحبت کنم و آنوقت باز احساس کنم برادر او هستم. می بایستی این برنامه ها تغییر اساسی نکنند این رازمانی در برنامه دولت گذشته در کمیسیون برنامه مطرح کردم و گفتم بودجه ای که شما می آورید از ستونهای مختلف تشکیل شده است ستوتی از آن مربوط بدفاع است بودجه دفاعی همه جانبه است و تمام مردم ایران مربوط می شود و همچنانکه تهران را در برمی گیرد چپ و راست و شمال و جنوب کشور را در برمی گیرد ولی آنجا که مسائل اقتصادی و اجتماعی در برنامه مطرح است اینجا انسانها مطرح هستند اقتصاد مربوط ب مردم است و بایستی همه را مدنظر قرار دهید بدیهی است هر گوشه ایران می بایستی متناسب با استعدادش از آن بهره بگیرد همه جا نمی شود بندرسازی کرد ولی آنجا که می شود بندرسازی بکنید و آنجا که دستگاههای آموزشی را می شود متمرکز کرد باید ایجاد کرد آنجا که می شود کارخانه های کوچک و بزرگ را بنا کرد در برنامه قرار دهید و بالاخره هر جای این مملکت استعدادی دارد می بایستی از استعدادش برخوردار شود و سهم خودش را در اقتصاد ملی بگردن بگیرد در این مورد همت که ما نه آن آثار توری را خواهیم داشت و در

عین حال نقش آبادانی را هم اعمال کرده ایم همه جای ایران آباد خواهد بود و مردمی آزادی خواهیم داشت و آنوقت هجوم نمی آورند بمركز و جاهای دیگر ، سابقاً می گفتند که ایران را خراب کردند که تهران را آباد کنند ولی امروز می بینیم که اگر ایران را خراب کردند و در برنامه هایشان مدنظر قرار ندادند تهران را هم خراب کردند بطوریکه حتی در آن نمی شود حرکت کرد و تنفس کرد اگر برنامه ریزی عادلانه و گسترده در پهنه ایران عمل بشود می توانیم اثرات بسیار نیکویی از کار خودمان داشته باشیم نقش اشتغال صحیح در بیان چنین برنامه عادلانه ای نهفته است یعنی ما می توانیم از آن کارگری که ما جذبش کردیم در مجلس استفاده کنیم و از خانواده او در رشته های وابسته استفاده کنیم همه جامعه ایران باید فعال بشوند و خانواده ها در کنار هم سرشار از شادی و سعادت و بهره دهنده به برنامه ملی از طریق کار دستها و مغزهای خودشان ، بدیهی است که برای اعمال عدالت ناچاریم به بعضی از اهرمها توسل بجوئیم یکی از آنها اهرم مالیاتهای مستقیم از مجموع درآمد هاست که قانون آن در مملکت خوب سخنانه موجود است و می بایستی دولت در راه اجرای چنین برنامه ای که بعدالت اجتماعی کمک می کند نهایت سعی خود را بکار برد همچنانکه عرض کردم نرخ بهره بایستی پائین بیاید و ارزش انسان در مقابل آن خود بخود بالا خواهد رفت سرمایه هایی که آزاد می شوند بایستی امکانات سرمایه گذاری برایشان فراهم کنیم در پهنه اقتصاد ملی باید طرحهای لازم را دولت طرح کند و سرمایه های افراد را جذب کند و بجاییکه آنها از بهره ورگی بولهای خود استفاده کنند از آن سود عادلانه ای که بر کالای ساخته کارخانه های آنها متعلق می گیرد از آن استفاده کنند . این است که ارزش کالاهای ساخته شده پایین می آید سرمایه گذار ما اگر پول را از بازار قرض کرده باشد وقتی دست بکار می زند که میتواند آن چهارده ، پانزده درصد بهره سرمایه را اول مستهلک بکند و بعد برای خودش هم ۳۰ و ۲۰ درصد اگر انصاف داشته باشد باقی بماند اگر مایانیم این سرمایه گذاریها را کنترل کنیم آنوقت صاحبان سرمایه سهم در این کارخانه بشوند ما می توانیم کالاهای ارزاتری داشته باشیم و آنوقت هست که حتی آن صاحب سرمایه از شما سپاسگزار می شود برای اینکه می فهمد که او دیگر از پول زندگی نمی کند بلکه از قدرت بازوی خودش استفاده می کند و این اتکالی به نفس است که شما باو ارزانی داشته اید و سپاسگزار شما خواهد شد درآمد نفتی ما درآمد ساده ای

نیست که ما بتوانیم آنرا بهر نحوی که بخواهیم خرج کنیم باید حساب دقیق داشته باشیم نفت را می شود بصورتهای مختلف در آورد من فکر میکنم به ارزاترین بهره خودش که انرژی باشد ارزشیابی کنیم به بینیم واقعاً یک بشکه نفت چه نیرویی دارد ؟ یک لیتر نفت ۱۰ هزار کیلو کالری قدرت دارد بنابراین یک بشکه ۲۲۰ لیتری در حدود ۹۰۰ تن قدرت دارد و ما بهای بسیار اندکی برایش می گیریم اینست که بایستی در خرج کردن جبران را بکنیم نه اینکه مانند کسی که در کمیسیون برنامه با او روبرو بودیم و این مسائل مطرح شد پاسخی داد که اعضای کمیسیون برنامه لابد بخاطر دارند ایشان گفتند که ما خواستیم ثابت کنیم که می توانیم پول نفتمان را خرج کنیم و این دردناک بود امیدوارم هرگز چنین تصویری در ذهن برنامه ریزان نباشد (دکتر ستوده - این نطفه کردن است نه خرج کردن) عرض کنم مطلب زیاد است ولی من یک قول اخلاقی بدوستان داده بودم که عرایض خودم را در نیم ساعت محدود بکنم این است که اگر عمری باشد در فرصتهای دیگر عرایضی خواهم کرد (احسن)

رئیس - نظر دیگری در برنامه دولت نیست؟ (اظهاری نشد) جناب آقای نخست وزیر بفرمائید.

دکتر جمشید آموزگار (نخست وزیر) - سخن چگونه آغاز کنیم چون بگفته شاعر:

چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس

که در سراچه تقدیر تخته بند تنم در خلال ۱۰ ساعتی که با دقت و شکیبایی به محتوای بیانات شورانگیز و پر حرارت نمایندگان ارجمند گوش سپرده بودم برآستی هرچه اندیشیدم ندانستم که آیا یک داوری و ارزشیابی از کارهای گذشته در مجلس مطرح هست یا یک بررسی و اظهار نظر درباره برنامه تقدیمی دولت تازه دوازده روزه چه در واقع محتوای اصلی و چکیده تمام سخنها گرچه بر سیل حکایت ولی آمیخته به شکوه و شکایت بر محور اینکه چه ها کردند چه ها شد دور می زد و کمتر سخنی درباره اصول پیشنهادی و سیاستها و برنامه های دولت بمیان آمد و در این میان با مفهوم تازه ای از تجلیل از خدمتگزاران آشنا شدم چه آنانکه پرشورتر تجلیل کردند سخت تر و تندتر انتقاد نمودند

بیان شوق چه حاجت که شرح آتش دل

توان شناخت زسوزی که در سخن باشد (احسن) از این رهگذر وظیفه من سبکتر و اقبال شما خوشتر است چه زیاد سخن نخواهم گفت آنها که به برنامه دولت اشاراتی کردند، اشارتی موافق و تأیید کننده بود که از این جهت از جانب همکاران ارجمند و خودم از همه

برد ، برای رسیدن باین مقصود باید بخانواده توجه کنیم بخانواده کانون واقعی یک اجتماع است ، خانواده هسته مرکزی جامعه است در آنجاست که کودک و نوجوان و کنشهای روانی آینده خود را در می یابد اگر پدران و مادران ما ساعات فراغت خود را بقمار بازی و شهوت رانی و لهو و لهب بگذرانند چگونه انتظار داریم که فرزندان آنها فردا در جامعه ایران افرادی پرتوان و پرتلاش باشند (احسن). سرکار بانو سلیلی درباره مشکلات مسکن و محدوده شهرها و تشریفات زائد تذکراتی دادند ، به یقین اجرای اصل هجدهم انقلاب همه ما را راهنمایی خواهد کرد تا بتوانیم بهای زمین را در حد معقول نگهداریم و سرمایه ها را بسوی فعالیت های تولیدی سوق دهیم آنچه که دولت با قاطعیت و صراحت اینجا اعلام می کند اینست که با تمام نیرو و توان از هر کسی که در راه تولیدی سرمایه گذاری کند پشتیبانی خواهیم کرد ، چرا که سرمایه های خود را بخارج از کشور بریم از وطن خوشتر کجا ، درباره آنها هم که رفته اند و در غربت بسر میبرند ، دولت باز اهنمانی و ارشاد شما اقداماتی خواهد کرد که آنها هم به وطن برگردند و سرمایه خود را در اینجا بکار گمارند ، از سرکار خانم سلیلی سپاسگزارم که توجهی دادند به هم میهنان عزیز که در خواسته ها و توقعات خود حد امکانات و مقدرات را در نظر داشته باشند البته نکته بسیار اساسی است مشکلات زیادی در سر راه داریم همه باید دست بست هم در این راه کوشش کنیم باشکیبائی ، با صبر ، با تحمل و با کم کردن توقعات و انتظارات است .

جناب رفعتی در مورد کشاورزی و توجه خاص که بان باید داشت سخن گفتند بحثی نیست که برنامه کشاورزی در سر لوحه کار دولت قرار گرفته است اما باید به پیروی از اصل صراحت و صداقتی که این دولت بشما وعده داده است بگویم که متأسفانه در کشور ما بخاطر محدودیت آب و خاک حاصلخیز خود بسندگی کامل در مورد تمام فرآورده های کشاورزی با توجه باینکه تا یک ربع قرن دیگر جمعیت کشور به ۶۰ میلیون نفر می رسد امکان پذیر نیست و این حقیقتی است هر قدر تلخ ولی باید صادقانه بپذیریم ، گریزی از تعیین اولویت در برنامه کشاورزی وجود ندارد امیدوارم که با کمک شما و دیگر اندیشمندان اولویت برنامه های کشاورزی را تعیین و مشخص کنیم جناب واحدی درباره قانون استخدام سازمانهای اموراتی و استخدامی کشور سخن گفتند که بقیان دارم مورد توجه مسئولین لایق و با کفایت آن دستگاه قرار خواهد

شما صمیمانه سپاسگزارم و امیدوارم که بیاری شما و کار و کوشش و صراحت و صداقت ما بتوانیم این برنامه را بنحو احسن در راه اجرای نیات رهبر عالیقدر ایران پیاده کنیم (احسن) با اینهمه شاید بجا باشد که از نظر روشن شدن بعضی از نکات عرایض باختصار بعرض برسانم جناب دکتر صدیق اسفندیاری درباره مشارکت مردم و مشورت با آنها و نظرخواهی سخن گفتند ، سخنی نیکو و بجاست ولی نحوه این نظرخواهی نباید بگونه ای باشد که از رهگذر اتفاق با چند نفری از خیابان مصاحبه کنیم و نظر آنها را جمع آوری کنیم و آن نظرهارا آنها را بنام نظر مردم منعکس کنیم ، نظر عده ای معدود هرگز روشنگر تمام مردم نیست ، اینجاست که حزب رستاخیز ملت ایران بوجود آمد ، می بایستی نظرات مردم در کانونها و شوراها و سایر مراجع و ارکان حزبی مورد بحث قرار گیرد تا آنچه بدولت منعکس میشود بحقیقت بازگو و منعکس کننده نظرات اکثریت مردم باشد ، جناب ایشان درباره مسکن وزیر مسکن و شهرداری دولت را مخاطب قرار دادند و پرسش های تند و تیزی کردند ، این جوان دوهفته است که باین سمت منصوب شده ، فرصت دهید تا طرح های خود را تهیه و اجرا کند و آنوقت بدآوری بنشینید ، در باره جوانان و مطالب مربوط بانها سخنان سنجیده ای گفتید ، جوانان ما امروز تشنه آموزش هستند و نیازمند بهدایت و راهنمایی هستند آنها باید بدانند که ویرانگری و سرکشی راه چاره نیست ، چه آنچه که ویران می کند پدیده نیست بلکه وجود خودشان است بی بند و باری و لایبالیگری ، بی اعتنائی بنظم و قانون و زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی و دینی جوانان ما را در خواب و احتضار فرو میبرد و اینها باید بدانند که سازندگی بمراتب مشکل تر از ویرانگری است ، دستی که باید بسازندگی بپردازد ، بمراتب باید توانا تر از ویرانگر باشد ، از این رهگذر از شما نمایندگان و همه اعضاء حزب رستاخیز ملت ایران انتظار دارم که ما را یاری کنید تا جوانان این کشور را دریابیم ، اینها سرمایه های اصلی این کشور هستند و آینده کشور در گرو خوب پرورش یافتن اینهاست باید با دلیل و منطق با جوانها صحبت کرد ، کدامین مدینه فاضله و انسان آرزائی است که آنها در جستجوی آن هستند غرب و شرق آنجاها که هر روز در باره فواید آنها سخن می شنویم و می خوانیم ، آنچه باید سرمشق و نمونه جوانهای ایران باشد بنای تمدن و فرهنگ درخشان ایرانی و بنایی اخلاقی و دینی این ملت است و گر نه توجه بظواهر فریبنده مادی غرب هرگز مملکت ما را در راهی که شاهنشاه مای خواهد نیش نخواهد

گرفت و آنچه که ضروری باشد در اصلاحیه قانون استخدام تقدیم مجلسین خواهد شد. درباره سازمان محیط زیست سخنی گفتند که می‌اندیشم ناشی از سه تفاهم باشد. سازمان حفظ محیط زیست یک سازمان اجرائی نمی‌باشد. سازمانی است که ضوابط و معیارها را تعیین میکند و نمی‌تواند رکنی از ارکان وزارت بهداشتی و بهزیستی باشد زیرا که وظایف آن در ارتباط با سازمانهای گوناگون است. در مورد کارخانجات باوزارت صنایع و معادن در مورد مراکز و مزارع و روستاها باوزارت کشاورزی در مورد آلودگی آب و هوا باوزارت بهداشتی و نظایر آن بنا بر این سازمان نمیتواند بیک وزارتخانه خاصی بستگی داشته باشد. نکته‌ای هم جناب آقای واحدی بدان اشاره کردند در مورد یک جمله از برنامه دولت که فرمودند تصور می‌کنم که اشتباه بوده باشد. که دولت در برنامه خود در زیر عنوان انقلاب اداری نوشته است که کردن تشریفات زائد در حالیکه می‌بایست گفته باشد حذف تشریفات زائد. جناب واحدی شما وعده دادیم که صریح و صریح باشیم، حذف تشریفات غیرممکن است. دیوان سالاری یا بوروکراسی، دولت در همه جا مقداری تشریفات را ایجاد می‌کند اگر شما وعده می‌دادیم که تمام تشریفات را حذف می‌کنیم شما می‌بایستی خرده بگیری که صادق و صریح نیستید، آنچه گفتیم این است که تمام تلاش و نیروی خود را بکار خواهیم برد که تشریفات زائد و مقررات دست و پاگیر را که می‌کنیم ولی حذف آنها غیر ممکن است نه در این مملکت در هیچ جا.

جناب مظهري با شور و شرف فراوان و با بیانات شیرین خود مطالبی اظهار داشتند نکته‌ای که بر آن بکرات تکیه کردند این بود که دولت را مخاطب قرار دادند و گفتند که شما با گفتن اینکه برنامه دولت در یک جمله خلاصه می‌شود و آن جمله عبارتست «از کار و کوشش بیشتر با کارائی بالاتر توأم با صراحت و صداقت، در اجرای اصول انقلاب شاه و ملت» تعهدی بسیار گران بعهده گرفته‌اید. جناب مظهري این تعهد در فضای رستخیزی نهادار دولت و دولتیان خلاصه نمی‌شود این مربوط به فرد فرد افراد ملت ایران است، آنچه که در اینجا بعنوان اصول برنامه دولت عرضه شد طرز تفکر و اندیشه افراد این دولت است. ما خوانستیم که شما با آن آشنا شوید این طرز تفکر ما است و این برنامه ما است و اصول کار ما است و این هدفهای ما است. اما اگر تصور می‌کنید که همه کنار

بنشینند و انتقاد کنند و انتظار داشته باشند که وزیر و یک نخست وزیر کار مملکت را بیش ببرند، اشتباه می‌کنند (احسن است) جناب مظهري اشاره کردند به اینکه این روحیه‌ای که در این دولت مشاهده می‌کند، تسری پیدا کند در تمام کارکنان دولت، بخواست خدا امیدوارم که چنین باشد ولی یک نکته را با اجازه تان گوشزد کنم که کارکنان دولت چشمشان به رئیس مربوط است اگر وزیر و نخست وزیر و مجریان و همه کسانی که دست اندر کارند سرمشق و نمونه باشند کارکنان دولت خود بخود وظیفه شناس خواهند بود و درباره کتاب و نشریات گوناگون سخن گفتند، یقین دارم که نیت ایشان نبود که از انتشار کتب مفید جلوگیری کنیم. متأسفانه در این مملکت ماعادت به کتاب خواندن نداریم و این پیشگی از نواقص کارها است. آنچه را که منظور ایشان بود شاید نشریات زائدی است که در بعضی از سازمانها انتشار می‌یابد که البته جلوگیری خواهد شد ولی دولت را پشتیبانی کنید که در انتشار کتب و مجلات مفید اقدامات سریع‌تری انجام بدهیم.

جناب ستاری درباره جلوگیری از هزینه‌های زائد و ایجاد تکنولوژی ملی و پیشرفت مملکت سخن گفتند، بحثی نیست که پیشرفت هر کشوری بسته به پیشرفت مغزها و اندیشه‌ها و مهارت دستها است ایجاد یک تکنولوژی ملی از ضروریات است و در برنامه دولت هم بروشنی آمده.

جناب بهار که سخنشان بوی از گل بهار میداد از قول دوستان فرمودند که انشاء الله برنامه دولت برنامه رادیویی نباشد، جناب بهار اگر همه با هم همکاری کنیم شما و من و آن دوست شفیقتان آنوقت دیگر این برنامه رادیویی نخواهد بود. اما اگر تمام انتظاراتان از دولت است آنوقت باید بیاد شعری که در دبستان آموختیم باشید که: روزی ز سر سنگ عقابسی به هوا خاست
بهر طلب طعمه پروبال بیاراست
تا الی آخر تا....

چون نیک نگه کرد پر خویش در آن دید

گفتا ز چه نالیم که از مایت که بر ماست

جناب ایشان هم چنین در مورد امتیازاتی که به تحصیل کرده‌های خارج داده شده است، سخن گفته‌اند برای این دولت تحصیل کرده، تحصیل کرده است چه در داخل و چه در خارج، آنچه که مورد نظر است، کاردانی و کارایی و دانش آموختگی و آگاهی بساطیل

است، فرقی ندارد که این دانش در داخل یا در خارج کشور فرا گرفته شده باشد. جناب اربابی درباره تجدیدنظر در گزینش دانشجو مطالبی ایراد کردند با اطلاعاتی که خود من دارم سخنان ایشان را تا حدودی تصدیق می‌کنم و امیدوارم با راهنمایی شما و اندیشمندان دیگر راه چاره‌ای برای اینکار پیدا کنیم ایشان اضافه کردند که استادانی را می‌شناسند که در تمام سال حتی یکساعت هم تدریس نمی‌کنند و حقوق تمام وقت دریافت می‌کنند، اولاً شما که نماینده مجلس هستید نام این استادان را بدولت بدهید، تنها گفتن در پشت تریبون کافی نیست. ما باید دنبال کنیم و در زبانی اگر چنین است جای تأسف است که چگونه این استاد میتواند راهنما و راه‌گشای جوانان ما باشد، ذات نایافته از هستی بخش، کی تواند که شود هستی بخش.

زاجع به مدیریت کشاورزی فرمودید که نداریم و دولت میبایستی اقدامات عاجلی در این باره بکند، جناب مهندس اربابی جنابعالی که فرمودید مهندس کشاورزی هستید و بحق افتخار کرده‌اید که از یک روستای ایران برخاسته‌اید شما چه کار برای ایجاد مدیریت کشاورزی در منطقه خودتان کرده‌اید؟ یکی از گرفتاریهای ما همین است که هر کس تحصیل کرد و دانش آموخت تهران می‌آید و این در سر لوحه برنامه دولت است که این میل مهاجرت را متوقف سازد.

جناب قاضی تأکید مفصلي بر مبانی اصول اخلاقی و دینی و فضیلت کرده‌اند باید بگویم در این مورد، جانا سخن از زبان ما می‌گویی، ولی باید در این راه همه با هم کوشا باشیم، همه باید باین مبانی فضیلت و تقوی معتقد باشیم (احسن است) تا آنجا که خدا نکرده درباره هیچکدام ما شعر حافظ مصداق پیدا نکند که: واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند

چون به خلوت می‌روند آنکار دیگر می‌کنند

(احسن است). جناب معینی جاغروند درباره آموزش جوانان روستایی سخن گفتند سخنی بجای بود این آموزش باید طوری باشد که این جوانان، مشتاق به خدمت در روستا باشند. البته این کار امروز و فردا نیست ولی با اندیشه شما و با کار و کوشش و صراحت و صداقت این دولت امیدواریم در این کار هم توفیق حاصل کنیم. جناب رضوی نژاد تأکید با اهمیت دادگستری و توجه به قضات فرمودند دادگستری رکن مهم مشروعیست است احترام به قانون وظیفه فرد فرد افراد ملت است و این دولت این نکته را در سر لوحه برنامه‌های خود قرار داده است و یقین دارم با همکاری شما در این

راه هم‌گامهای اساسی بر می‌داریم. (انشاء الله) جناب سالار جاف درباره شبکه راه‌های روستایی و مدارس حرفه‌ای سخن گفتند وجه خوش سخن گفتند و بخصوص آنجا که درباره آزادی قلم و بیان در راه دفاع از استقلال کشور سخن گفتند. آری، قلم‌ها و بیانها باید همه و همه در راه یک هدف باشد، در راه اجرای نیت شاهنشاه عزیزمان برای اعتلای ایران عزیز (احسن است). جناب یزدی همچنین از فضیلت و تقوی و احترام به شعائر دینی و ایمان و اعتقاد سخن گفتند، چه بلیغ و فصیح و چه اصیل و پر مغز. اگر ملتی سقوط نظامی کند، اگر ملتی سقوط سیاسی کند اگر ملتی سقوط اقتصادی بکند ولی سقوط اخلاقی نکند همیشه میتواند بپا برخیزد ولی ملتی سقوط اخلاقی کرد بدیهی است که بقیه سقوطها را در پی خواهد داشت و روزوال و نیستی می‌رود و در پهنه گسترده گیتی و در تمام ادوار تاریخ نمونه‌های بازاری از آن دیده‌ایم (قاسم زاده - ثم رددناه اسفل سافلین) چون شما بعربی مطلبی گفتید (اجازه بدهید من هم جمله‌ای بعربی بگویم، ان‌الامم الاخلاق مابقیته وانهم ذمیت اخلاقهم ذهبوا) (قاسم زاده - اینکه بنده عرض کردم آیه قرآن است) جناب ایشان همچنین در مورد کتابهای تاریخ مطلبی گفتند اولاً بدانید که متأسفانه تاریخ جامع و مانع و کاملی برای ایران نداریم آنچه درباره ایران نوشته شده از بیگانگان است بنا بر این بر محققین ماست که بنشینند و بدون تعصب تاریخ ایران را بنویسند.

اما در این جا نکته ای را هم باید از نظر دور نداریم که مادر باره چه چیز اضافه صحبت می‌کنیم زمانی درباره تاریخ ایران سخن می‌گوئیم و گاهی درباره تاریخ ایرانیان این دو با هم فرق دارد. اگر مقول بایران آمد. و اگر اغراب بایران حمله کردند این جزئی از تاریخ ایران است ولی تاریخ ایرانیان نیست. این‌ها را باید از هم تفکیک کرد و کتابی درباره تاریخ ایران و همچنین تاریخ ایرانیان نوشت. جناب عاملی در ضمن اول فرمایشات خودشان یک تجزیه و تحلیل بسیار عالی علمی از یک مسئله اجتماعی نمودند که بایشتر نکات آن همکاران من و من هم عقیده و هم آوازم و امیدواریم با همکاری ایشان و سایر اندیشمندان چه در مجلس و چه در خارج از مجلس بتوانیم آن نکات را مورد توجه قرار بدهیم. در قسمت دوم که در برنامه دولت با نظریاتی صحبت کرده‌اند درباره ایمان و نمونه بودن اشاراتی کردند ضمناً به کمی حقوق معلم اشاره فرمودند و گفتند که اگر زندگی برای

آنها تأمین شود شاید نتوانند فرزندان ما را تربیت کنند. در این که باید حداقل معیشت زندگی همه افراد به ویژه معلمان تأمین شود تردیدی نیست ولی این نکته را از یاد نبرید که اندیشه‌ها و پندارها را با پول نمیتوان خرید اگر فردی باشد که اعتقاد به مبانی اخلاقی و فرهنگی و تمدن درخشان و اعتلای ایران نداشته باشد و بخواهد در کسوت معلمی با گرفتن پول بیشتر این امر را تحقق ببخشد یقین بدانید که موفق نخواهد بود باید با منطق و استدلال اندیشه‌ها را تقویت کنید و وقتی افراد در مذاکره و گفت و شنود قانع شدند آنوقت حتی با حقوق کم هم در راه اعتلای میهن خودشان تلاش و کوشش خواهند کرد. در مورد سیاست تعلیق مصلحتی فرمودند اجازه میخواهم عرض کنم که سیاست تعلیق برود است برای اینکه ایجاد بازار سیاه خواهد کرد در گذشته‌ها نه تنها در این کشور بلکه در کشورهای دیگر هم آزمایش شد و نتایج درخشانی از آن دیده نشد آنچه که باید دولت درباره آن اقدام کند جلوگیری از هدر رفتن درآمد نفت برای کارها و کالاهای غیر ضروری است و در این راه همه ما بخصوص ثروتمندان کشور باید سرمشق و نمونه باشند (صحیح است) اگر شما و من در خانه خود موزو آناناس و میگو مصرف نکنیم رانده و بیش خدمت ما عوس خوردن آن را نمی‌گذریم ما باید خود نمونه و سرمشق باشیم و اگر هر فردی بدنبال این هدف برود یقین آن صرفه جویی که مورد نظر نمایندگان محترم هست انجام خواهد شد. جناب امیری ضمن بیانات مستدل خودشان که مربوط به گذشته‌ها بود اشاره‌ای کردند که اگر نفت نبود ما محکوم به فنا بودیم خیر، جناب امیری، ایرانی هرگز محکوم به فنا نیست، ایرانی اگر در تحت فشار و در تنگنا قرار گرفته مانند فر جمع شده و در خود فرو رفته بخاطر این بوده است که با نیروی بیشتری بپاخیزد و دوباره جهش کند ما نمونه‌های این را در تاریخ درخشان مملکت خودمان بارها دیده‌ایم. ایرانی هرگز تسلیم قوه خارجی نشده و نخواهد شد و جاودانه باقی خواهد ماند آنچه که درآمد نفت شاید اثر گذاشته یک روحیه کم کاری و تنبلی است اکنون که درآمد نفت داریم چه حاجت و نیازی به کار کردن بیشتر، ولی فراموش نکنید پدران ما نفت نداشتند فرزندان ما هم نفت نخواهند داشت. این نسل نمیتواند تمام درآمد نفت را به خاطر آسایش و رفاه خود صرف کند (صحیح است) ما مسؤلیت بزرگی برای نسلهای آینده مملکت داریم و این نکته است که شاهنشاه آریامهر بارها در فرمایشات گهربار خود بدان اشاره کردند

و برآست که بعنوان سربازان رستاخیز در راه پیاده کردن نیات عالی شاهنشاه کوشا باشیم. (احسنت)

جناب فرهنگ راجع به قیمت نامعقول زمین سخن گفتند هم زمانی که از رهگذر اتفاق عده‌ای معدود ثروت‌باز آورده بدست می‌آوردند فراموش می‌کنند که در همان زمان و در همان رهگذر عده بیشتری از هستی ساقط می‌شوند و این در فضای رستاخیز جایی ندارد. سرمایه‌ها باید بسوی کارهای تولید برود و امیدواریم که در اجرای اصل ۱۸ انقلاب در این راه توفیق خدمت نصیبان شود (انشاءالله) جناب دکتر بقائی یزدی در مورد لیاقت و اینکه باید لیاقت در راه مصالح اجتماع بکار رود سخنانی گفتند که صحیح است ولی اگر فرد لایق و با کفایت و وظیفه خود را بدرستی انجام دهد، گوئیم که بسود شخصی باشد بفتح اجتماع هم خواهد بود ولی بدرستی و صداقت. و این نکته صادق است چه برای کارکنان دولت و چه کارکنان بخش خصوصی درباره شناسایی افراد برای تصدی مقامات فرمودند که خوست برزی هائی بشود به آگاهیشان برسانم که شاهنشاه در این مورد اوامری صادر فرمودند و هیئتی مأمور شده است که لیست سوابق افراد را برسیهائی بکند و صورتی‌هایی همیشه آماده باشند که تا به هنگامیکه برای تصدی مقامی بدنبال فردی لایق می‌گردیم جنبه آشنائی با اسمی که زودتر به ذهنمان می‌آید در میان نباشد بلکه با بررسی های قبلی بهترین ها انتخاب شوند و این مطلبی که ایشان اشاره فرمودند مطلبی است که بعدی هفتصدسال پیش گفت:

اگر ملک خود، خواهی آراسته

مده کار مشکل به نخواست

جناب دکتر رحمانی تعریف تنگنا و اولویت را از دولت خواستند تنگنا یعنی وجود بیش از نیمی از تختخوابهای بیمارستانی و بیش از نیمی از پزشکان کشور در تهران، این است تنگنا، این یعنی تنگنا، این یعنی هجوم بیماراران شهرستانی به تهران، در رفع این تنگنا اولویت که تعریفش را خواستید روشن خواهد شد ساختن بیمارستانها در شهرستانها و اعزام پزشکان به شهرستانها (احسنت) امیدوارم این مختصر مفهوم و معنای تنگنا را برای ایشان روشن کرده باشد (آفرین) ولی ایشان ضمن فرمایشات خودشان سخنی فرمودند که کمی غیر منصفانه بود همه سخنرانان از گرفتاریها در گذشته سخن گفتند که برای ما در این برنامه مطرح نیست در این زمان ولی بمصداق عیب‌وی جمله بگفتی هنرش نیز بگو، شما که انتقاد کردید جناب دکتر رحمانی

چرا اظهار داشتید که در روستاها هیچ کار بهداشتی انجام نگرفته پس مبارزه با مالاریا کجا انجام گرفته درمازندرانی که اندکس طحال ۹۸ درصد بود و شما بعنوان پزشک بهتر از من میدانید و اکنون به کمتر از یک درصد رسیده کدام دولتی انجام داده دولت هویدا، دولت همتی از هویدا و بطور کلی دولتهای ایران؟ آباه که یکروز اطفال ما را به کشتن میداد و امروز مفتخریم که ریشه کن شده است اینها را چه کسی انجام داده شما بنظر من بعنوان پزشک با عرض معذرت کمی بی‌انصافی کردید در مورد استخدام پزشکان توسط دولت‌ها سخن گفته شد اولاً طبق اطلاعی که گرفته‌ام چنین مطلبی نیست ثانیاً اگر باشد جناب دکتر شما چرا در خانه خودتان که نظام پزشکی است این را مطرح نمی‌کنید چون هرگاه که خواستند در باره فعالیت‌های پزشکان از خارج صحبت کنند گفته شد که در نظام پزشکی مطرح شود پس در آنجا مطرح کنید که پزشکان ایرانی برای چند ریال اضافی بکشورهای خارجی نروند راهنمایی پزشکان یکی از وظایف اصلی نظام پزشکی است جناب نواب صفای تمام وجود از صمیم قلب و با صفا سخن گفتند و سخنان گهربارشان را چندین بار خواندم مرا نصیحت کردند که از انتقاد مردم بی‌غرض که کم - یابند آزاده خاطر نشوم در برنامه دولت به روشنی آمده که ما انتقاد سازنده را استقبال می‌کنیم اما یک نکته را یاد آوریشوم بعنوان یک شاگرد به استاد اینکه فرمودند مردمان بی‌غرض کم یاب هستند کم یاب نیستند ممکن است ساکت باشند ولی زیادند راجع به تمدن و فرهنگ ایران زمین سخن گفتند سخن بسیار بسزا و بجا بود در ادوار گذشته فروغ تابناک فرهنگ درخشان ما از مرزهای ایران زمین پا فراتر گذاشت چه بسا تاریکیها که به فروغ تمدن و فرهنگ درخشان ما روشن شد و چه بسا که مردمیکه از خون گسترده فرهنگ ما بهره‌ها گرفتند و زهی انوسوس که شاره‌های این فرهنگ و تمدن درخشان زمانی چند در زیر خاکستر پلیدیها مدفون شد و زهی افتخار و جای خوشوقتی که در دوران شاهنشاهی پهلوی این رستاخیزنو و بسیج اخلاقی و فرهنگی تولدی نو یافت و امروز ایران و ایرانی در راه اعتلای فرهنگ غنی خود از جان و دل کوشاست. جناب قائمی که از اظهار مهر و احساساتان نسبت به همکارانم و خودم تشکر می‌کنم، درباره اعتلا و رشد اخلاقی و فضیلت صحبت کردند که با بخش نامه نمیتوان به آن رسید چه خوب سخن گفتند آموزش لازم است در اینجاست که ما به همکاری شما و حزب رستاخیز

ملت ایران نیاز داریم تنها از راه آموزش است که ما میتوانیم به این مشکلات بی‌بریم. فرمودند که مجریان دولت باید نمونه و سرمشق باشند امیدوارم که همکاران من و من شمارا در این راه تأمید نکنیم (انشاءالله) درباره دادگستری و احترام به قانون سخن گفتند بایسته بگویم اگر جامعه‌ای به قانون احترام نگذارد هیچ چیز در آن جامعه پا برجاست نخواهد بود به همین جهت احترام به قانون در سرلوحه برنامه دولت آمده است بی‌گوهر شدن اخلاق سنتی بشرونی‌توانی در جایگزین کردن اخلاقی نو برای بشر امروز زنگ خطری است و ما که متکی به فرهنگ غنی و درخشان هستیم باید برای خود راه ایرانی پیدا کنیم و با کمک شما در فضای رستاخیز تحت رهنمودهای شاهنشاه آریامهر انشاءالله این کار عمل خواهد شد (انشاءالله) جناب دکتر طبیب درباره توجه با ایجاد تکنولوژی ملی و نظم ملی و دوباره سازی روحیه ایرانی و تقویت مبانی اخلاقی سخن گفتند همچنین مطالبی راجع به شهرداری و کشاورزی و سایر وزارت خانه‌ها یاد آوری کردند امیدواریم هیئت‌های در وزارت خانه‌ها ما مورد شوند که با شما و سایر اعضای حزب رستاخیز ملت ایران در تماس باشند برای حل این مشکلات اشاره کردند راه‌های منطقی باید پیدا کنیم. جناب پرفسور یغمائی از عنایتان نسبت به خودم و همکارانم تشکر می‌کنم ایشان بحق فرمودند که چرا همه چیز اول برای تهران و بعد برای شهرستانها. این مطلب مورد توجه خاص دولت است و این نکته‌ای است که می‌خواهم اعلام کنم که دولت به شهرستانها توجه خاص در تمام زمینه‌ها مبذول خواهد داشت (احسنت - احسنت)

درباره حفظ حرمت و حیثیت استادان سخن گفتند که سخنی بجا بوده اگر استاد حرمت و حیثیت نداشته باشد سنگ روی سنگ قرار نخواهد گرفت ولی همانطور که خودشان گفتند به یقین استاد باید استاد واقعی باشد و به یقین آنانیکه دانش آموخته‌اند و آنان که در راه پیش‌برد اهداف شاهنشاه می‌کوشند از حرمت و حیثیت برخوردار خواهند بود. جناب دکتر تجدد بایان شیرینشان درباره همکاری با مردم و اینکه مردم هراقدامی که دولت کرده است به جان و دل خریده‌اند و بنابراین دولت باید قدر این مطلب را بداند سخن گفتند. در این مقوله سخنی نیست ولی جناب تجدد یک وقت این تصور برایتان پیش نیاید که چون نفت داریم برای خدماتی که نسبت به مردم عرضه میشود پولی نباید گرفته شود.

عرض کردم این نفت متعلق به نسل حاضر نیست . درباره حمایت معقول از صنایع صحبت کردند که صحیح است در برنامه دولت آمده است که کیفیت کالاهای ساخته شده باید مورد توجه کافی قرار بگیرد که امیدواریم وزیر صنایع و معادن به این مطلب توجه خاص مبذول دارد . فرمودند چگونه در ربع قرن ما میتوانیم با درآمدهای صادراتی درآمد امروزی نفت را جایگزین کنیم . پرسشی بجاست ، پاسخ آن بستگی به کار و کوشش شما و من و سایرین دارد همه باید با هم کار کنیم و سخت کوشا باشیم راه دراز در پیش داریم ولی به رهبری فرمانده عالیقدری که داریم که در تاریخ ایران نظیر ندارد و در این راه هم پیشرفت خواهیم کرد (انشاء الله) جناب دکتر فروزین درباره کم کاری صحبت کردند و درست هم گفتند کم کاری بزرگترین بلای اجتماع ماست و شاید بخاطر ساعت افزایش درآمدهای نفت بوده چون این کم کاری در این سالهای اخیر نه تنها در مورد کارگران ، بخصوص بلکه بهمان گونه که جناب قربانی نسب بسیار صحیح عنوان کردند ، در تمام سطوح دیده میشود و این کم کاری بلای اجتماع ماست بنابراین بیایم این معیاد را بگذاریم که اول از خودمان شروع کنیم خودمان تا آنجا که در توان و نیرو داریم در هر زمینه ای که فعالیت داریم بکوشیم و سپس بادیگران هم در فضای رستاخیز گفت و شنود کنیم تا از این بلای بزرگ اجتماعی کم کاری پرهیز کنیم مطالبی درباره مبانی اخلاقی گفتند که چون قبلا درباره اش سخن گفتم دیگر وقت شما را نمیگیرم جناب ظفری که سخنگوئی چیره دست و مسلط بر فارسی دری هستند و از این جهت همیشه من باشوق خاص به بیانات ایشان گوش میدهم این بار هم بحق استفاده فراوان بردم تذکر دادند که پیشرفت مملکت بستگی بکار و کوشش همگان دارد نکته ای بسیار اساسی و اصولی است همه چیز را همگان دانند بنابراین دولت و مجریان نیستند که در راه پیشبرد و اهداف شاهنشاه باید کوشا باشند همه باید با هم همانطور که تذکر دادند کار و کوشش کنیم تا این بار را بسر منزل مقصود برسانیم درباره ارزش های اجتماعی سخن گفتند و احترام بشخصیت ها اینهم از فرمایشات گهربار شاهنشاه است هر کس در این مملکت کار و کوشش میکند و در فضای رستاخیز تلاش میکند قابل احترام است آنچه که باید در قسمت ارزش های اجتماعی در آن تجدید نظر شود این است که احترام افراد بمقام و پول نباشد بلکه بشخصیت آنها باشد

ارزش اجتماعی در مورد افراد باید آنچه هستند باشد نه برای آنچه که دارند و این نکته ایست که جناب آقای ظفر بحق سخن گفتند و نقش دولت در این زمینه بسیار مهم است ، اکنون که سختم به پایان میرسد از مهر و عنایتی که نمایندگان ارجمند نسبت به همکاران و خود من ابراز فرمودند یکبار دیگر صمیمانه سپاسگزارم از درگاه ایزد یکتا خواستارم که در راه اجرای اندیشه های بلند پایه فرمانده عالیقدر و آینده نگر ایران توفیق خدمتی نصیب این دولت بشود (انشاء الله) سخن کوتاه کنم و بگویم که از ما و از این دولت کار و کوشش توأم با صداقت و صراحت از شما راهنمایی و همفکری و همکاری و از مردم کمک و مشارکت و راهنمایی و صبر و شکیبائی بامید خدا (احسنت - احسنت) کاری کنیم و روزه خجالت بر آوردم

روزی که رخت جان بجهانی دگر کشیم
عده ای از نمایندگان - موفق باشید
رئیس - نسبت به برنامه دولت باورقه اخذ رای میشود .
(اسامی نمایندگان به ترتیب آتی و سیله منشی
« آقای مهندس صائبی » خوانده شد و در محل نطق
اخذ رای بعمل آمد)

آقایان : اخلاق پور - بسیج خلخالی -
بیر - آرموده - ادیب مجلسی - دکتر بقائی یزدی -
جعفری - اربابی اناری - پیشوائی - جلالیان - خطیبی -
آستانه ای - اردلان - الداغی - دکتر تجدد -
خلیل زاده شیرازی - اسحق کاهکش - الموتی -
دکتر بهادری - تدین - خورشید - بهار - تربتی -
دادفر - عبدالهادی آقایان - محمد اسدی - اوحدی -
بهارلو - تژده - دانشمند - بانو اسدی - تقوی لاریجانی -
دانشی - آلتی جعفری - ملک منصور اسفندیاری -
ایلخانی - تقی زاده منظری - جهانشاهی - آموزگار -
بانو بابان - بهنیا - توتونچی افشار - چلاجور - درودی -
اسکونی - توتونچیان - دلخوش فوسنی - بانو انتهای -
سمیعی - اشرفی - باقرزاده - پارسا - توکلی -
حاتمی - دولتی - ابطیحی فهلیانی - دکتر اعتمادی -
باقری - پردلی - تولائی زاده - منوچهر دهقان -
دکتر پرومند - جاف - دهقان نژاد - اجاق -
محمدصادق افتخار - پزشکی - جباری - ذوالفقاری -
اخباری - جواد افتخاری - بزرگ زاده - پوربردباری -
سید محمد جزایری - راشدی - معززی - دکتر مهر -
نصیری زاده - معینی چاغروند - وشمگیر - معینی قراگزلو -
نواب صفا - وکیل گیلانی - ملکشاهی - میرعرب رضی -

نوربخش دماوندی - منتظری - محمدنوری - هاشمی
میاندوآب - دکتر منصور - مجتبی نوری - ناظمی -
نوری اسفندیاری - یاسینی - بانو نجیمی نائینی -
یزدی - موسوی ماکونی - دکتر نصیری - پروفیسور
یغمائی - یگانه - رامبد - ساگینیان - شادلو -
عباس میرزائی - قدمی - صدری کیوان - ستاری -
شادمان ولوی - دکتر صدیق اسفندیاری - قرائی -
بانو عدیلی - قراچورلو - لیوانی - دکتر رحمانی -
دکتر ستوده - بانو صنیع - عطارذ - قراگزلو شجاعی -
رحیم زاده خوئی - شهابی - محمدحسین غضنفری -
قربانی نسب - مافی - رحیمی لاریجانی - دکتر ضیائی -
قریشی - دکتر رشید یاسمی - شهرستانی - طباطبائی -
دکتر فرزاد امیری - قوامی - متولی - رضوانی - دکتر
سعید - عبداللطیف شیخ الاسلامی - دکتر طیب -
کاسمی - مجتبیائی - رضوی نژاد - کریم بخش سعیدی - طرئی -
دکتر فروزین - کاشفی - دکتر رفعت - طرئی -
دولت آبادی - فرهنگ بیگوند - سید کریم کاظمی -
رفعتی - بانو سلیلی - ظفری - سیدعلی صائب - عابدی -
دکتر فیروزآبادی - کبیری - دکتر محمدی کوشکی -
ریاضی - سلیمانی سواد کوهی - صائبی - صفری پور -
دکتر عادل رانکوهی - قائمی - کسرائی - محمودیان -
ریگی - سلیمی - منصور صادقی - عالمی - قادری -
بانو کمالی آزاد - بانو مشائی - بانو زاهدی - نوذر
صادقی - ابولحسن عاملی - قاسم زاده - کمیلی زاده -
زرگرزاده - سیدی - صبوری یزدی - دکتر عاملی تهرانی -
قاسمی - کهن - منظری - ساری اصلانی - سیفی
اینانلو - صحرانی - قاضی - دکتر کیان - معتضدی -
موافقین آقایان : اخلاق پور - بسیج خلخالی -
بیر - آرموده - ادیب مجلسی - دکتر بقائی یزدی -
جعفری - اربابی اناری - پیشوائی - جلالیان - خطیبی -
آستانه ای - اردلان - الداغی - دکتر تجدد -
خلیل زاده شیرازی - اسحق کاهکش - الموتی -
دکتر بهادری - تدین - خورشید - بهار - تربتی -
دادفر - عبدالهادی آقایان - محمد اسدی - اوحدی -
بهارلو - تژده - دانشمند - بانو اسدی - تقوی لاریجانی -
دانشی - آلتی جعفری - ملک منصور اسفندیاری -
ایلخانی - تقی زاده منظری - جهانشاهی - آموزگار -
بانو بابان - بهنیا - توتونچی افشار - چلاجور - درودی -
اسکونی - توتونچیان - دلخوش فوسنی - بانو انتهای -

سمیعی - اشرفی - باقرزاده - پارسا - توکلی -
حاتمی - دولتی - ابطیحی فهلیانی - دکتر اعتمادی -
باقری - پردلی - تولائی زاده - منوچهر دهقان -
دکتر پرومند - جاف - دهقان نژاد - اجاق -
محمدصادق افتخار - پزشکی - جباری - ذوالفقاری -
اخباری - جواد افتخاری - بزرگ زاده - پوربردباری -
سید محمد جزایری - راشدی - معززی - دکتر مهر -
نصیری زاده - معینی چاغروند - وشمگیر - معینی قراگزلو -
نواب صفا - وکیل گیلانی - ملکشاهی - میرعرب رضی -
نوربخش دماوندی - منتظری - محمدنوری - هاشمی
میاندوآب - دکتر منصور - مجتبی نوری - ناظمی -
نوری اسفندیاری - یاسینی - بانو نجیمی نائینی -
یزدی - موسوی ماکونی - دکتر نصیری - پروفیسور
یغمائی - یگانه - رامبد - ساگینیان - شادلو -
عباس میرزائی - قدمی - صدری کیوان - ستاری -
شادمان ولوی - دکتر صدیق اسفندیاری - قرائی -
بانو عدیلی - قراچورلو - لیوانی - دکتر رحمانی -
دکتر ستوده - بانو صنیع - عطارذ - قراگزلو شجاعی -
رحیم زاده خوئی - شهابی - محمدحسین غضنفری -
قربانی نسب - مافی - رحیمی لاریجانی - سعادت فردد - دکتر ضیائی -
قریشی - دکتر رشید یاسمی - شهرستانی - طباطبائی -
دکتر فرزاد امیری - قوامی - متولی - رضوانی - دکتر
سعید - عبداللطیف شیخ الاسلامی - دکتر طیب - کاسمی -
مجتبیائی - رضوی نژاد - کریم بخش سعیدی - طرئی -
دکتر فروزین - کاشفی - دکتر رفعت - طرئی -
دولت آبادی - فرهنگ بیگوند - سید کریم کاظمی -
رفعتی - بانو سلیلی - ظفری - سیدعلی صائب - عابدی -
دکتر فیروزآبادی - کبیری - دکتر محمدی کوشکی -
ریاضی - سلیمانی سواد کوهی - صائبی - صفری پور -
دکتر عادل رانکوهی - قائمی - کسرائی - محمودیان -
ریگی - سلیمی - منصور صادقی - عالمی - قادری -
بانو کمالی آزاد - بانو مشائی - بانو زاهدی - نوذر
صادقی - ابولحسن عاملی - قاسم زاده - کمیلی زاده -
زرگرزاده - سیدی - صبوری یزدی - دکتر عاملی تهرانی -
قاسمی - کهن - منظری - ساری اصلانی - سیفی
اینانلو - صحرانی - قاضی - دکتر کیان - معتضدی -
رئیس - مجلس شورای ملی با ۱۸۸ رأی موافق ،
باتفاتی آراء ، به برنامه دولت جناب آقای دکتر جمشید
آموزگار رأی اعتماد داد بنده از طوط خودم و کلیه
همکاران محترم این رأی قاطمی که به برنامه دولت داده

بیش برای مردم داشته باشیم و در راه رضایت شاهنشاه و مردم همیشه مورد اعتماد نمایندگان باشیم غرض از تصدیق این است که آقای علی نگیان را که معروف حضور نمایندگان محترم هستند بسمت معاونت پارلمانی و اداری و مالی وزارت کشور معرفی کنم (نمایندگان - مبارک است) ایشان از صاحب‌منصبان با سابقه وزارت کشور هستند و خدمتشان را از منشی بخشداری شروع کردند و سمت‌های آخری که داشتند معاونت استانداری اصفهان و فرمانداری اصفهان و مدیرکل روابط عمومی و سیاسی وزارت کشور بود و آخرین شغل سیاسی ایشان فرمانداری کل سمنان بود و اخیراً هم مشاور وزیر کشور بودند. بنده امیدوارم با راهنمایی و ارشاد نمایندگان محترم، وزارت کشور در اجرای وظایفش موفق باشد و از این راه در پیشگاه شاهنشاه و مردم سرفراز باشیم (احسن است)

۴- قرائت دستور و تعیین موقع جلسه آینده - ختم

جلسه.

رئیس - دستور جلسه آینده قرائت میشود.

(بشرح زیر خوانده شد)

- دستور جلسه ۱۲۰ روزیکشنبه ۶ شهریورماه ۱۳۰۳
- ۱- گزارش شور دوم اصلاح پاره‌ای از مواد قانون نظام معماری و ساختمانی.
 - ۲- گزارش شور دوم اصلاح قانون اصلاح ماده ۱۰ الحاقی بقانون تاسیس صندوق پس‌انداز ثابت افسران و همافران و درجه‌داران کادر ثابت ارتش شاهنشاهی.
 - ۳- گزارش شور دوم موافقت نامه تأسیس مرکز بین‌المللی تحقیقات کشاورزی در مناطق خشک بین دولت شاهنشاهی ایران و مرکز بین‌المللی تحقیقات برای توسعه.
 - ۴- گزارش شور دوم واگذاری هشتاد هکتار از اراضی منابع ملی شده چنارک شهرستان کرج به استانداری استان مرکزی.
- رئیس - با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم میکنم جلسه آینده ساعت ۹ صبح روز یکشنبه خواهد بود (جلسه ساعت دوازده و چهار و پنج دقیقه پایان یافت)
- رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی

شد به جناب دکتر آموزگار و همکارانشان تبریک میگویم (صحیح است) شاید این اولین باری بود که در برنامه دولت بیست و شش نفر نام نویسی کردند و همه در ستون موافق نام نوشتند و ملاحظه فرمودید هر یک از نمایندگان که اینجا صحبت کردند با چه احساساتی نسبت باین دولت اظهار عقیده و ابراز اعتماد و امیدواری کردند (صحیح است) ملاحظه فرمودید گرچه جلسه‌های فوق‌العاده مجلس شورای ملی است و در تابستان تشکیل شده باز مجلس مثل همیشه کاملاً اکثریت داشت و همه آنها تئیکه در ایران بودند در جلسات مجلس حاضر شدند در اینجا باز برای اینکه نمونه‌ای از احساسات نمایندگان را شرح بدهم باید عرض کنم کلیه سؤالاتی که نمایندگان مجلس شورای ملی از دولت سابق کرده بودند آنها تئیکه در ایران هستند باین مراجع کرده و سؤالاتشان را مسترد داشتند و این نمونه کامل اعتمادی است که نمایندگان مجلس شورای ملی باین دولت ابراز میدارند یکبار دیگر از طرف خودم و کلیه نمایندگان این ابراز اعتماد را به جنابعالی و همکارانتان در دولت تبریک میگویم (احسن است - احسن است) جناب آقای نخست وزیر فرمایشی دارید بفرمائید.

دکتر جمشید آموزگار (نخست‌وزیر) - از نمایندگان ارجمند مجلس شورای ملی ایران، بخاطر حسن ظنی که باین دولت ابراز فرمودند صمیمانه سپاسگزاری میکنم از طرف همکارانم و خودم امیدوارم تحت رهبری‌های خردمندانه شاهنشاه آریامهر با همکاری و همفکری شما راه را برای فردائی شکوفاتر و آینده‌ای روشنتر هموار سازیم (احسن است - احسن است)

۳- معرفی آقای علی نگیان بسمت معاون پارلمانی وزارت کشور بوسیله آقای امداله نصر اصفهانی وزیر کشور

رئیس - آقای نصر اصفهانی فرمایشی دارید بفرمائید.

نصر اصفهانی (وزیر کشور) - با سلام به خانمها و آقایان و با کسب اجازه از مقام معظم ریاست بنده هم بسم خودم لازم میدانم از رأی اعتمادی که بدولت داده شد تشکر کنم و امیدوارم به پیشوائی و فرماندهی شاهنشاه بزرگ توفیق خدمتگزاری